

بررسی راههای تأمین منابع مالی دانشگاهها

نویسنده: معصومه قارون

عضو هیأت علمی

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

معرفی مقاله

هزینه‌های آموزشی، ازجمله هزینه‌های آموزش عالی به عنوان یک نوع هزینه سرمایه‌گذاری، از دیرباز اهمیت داشته است؛ اما از دهه ۱۹۸۰، عوامل متعددی تخصیص مجدد منابع را در داخل بخش آموزش، به ضرر آموزش عالی تغییر داده است.

از آنجاکه چشم‌اندازی از شرایط فوق در ایران مشاهده می‌شود، بررسی راههای مقابله با آن ضروری می‌نماید. اگرچه برای غلبه بر این مشکل راه‌حلهای مختلف شامل افزایش کارایی دانشگاهها، تعدیل اهداف بخش آموزش عالی، ایجاد تغییرات ساختاری و تدارک منابع مالی جدید وجود دارد، در این مقاله که حاصل طرح پژوهشی به همین نام است، راه حل اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

در این مقاله پس از ترسیم وضعیت مالی بخش آموزش عالی دولتی ایران روشهای مختلف تأمین منابع مالی دانشگاهها در سطح جهان مورد بررسی قرار گرفته و توصیه‌هایی ارائه شده است. ضمن تأکید بر اینکه تنوع بخشیدن به منابع مالی بخش آموزش عالی به هیچ وجه به معنای کاهش حمایت مالی دولت نیست، نتایج به دست آمده بیانگر آن است که برای جلب منابع بیشتر می‌توان از روشهای مختلف کسب درآمد، با اولویتهای متفاوت استفاده کرد. ضمن اینکه به منظور دستیابی به کارایی بیشتر، سازوکارهای حمایت دولت از بخش آموزش عالی نیز باید مورد تجدید نظر قرار گیرند.

«فصلنامه»

مقدمه

از دهه ۱۹۸۰ عواملی از قبیل رکود اقتصادی و رشد هزینه‌های اجتماعی رقیب آموزش، مانند بیمه، بهداشت و بدهیهای خارجی، باعث گردید که سهم هزینه‌های واقعی آموزشی در تولید ناخالص ملی بسیاری از کشورها ثابت بماند و یا کاهش یابد. از طرف دیگر، عواملی مانند بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و عدم تطبیق تخصصهای عرضه شده با نیازهای بازارکار، تخصیص مجدد منابع را در داخل بخش آموزش، به ضرر آموزش عالی تغییر داد.

از آنجا که چشم‌انداز شرایطی که در سایر کشورها، بحران مالی آموزش عالی را به دنبال داشته است، وضعیت مشابهی را برای بخش آموزش عالی ایران نیز ترسیم می‌کند، بررسی راههای مقابله با آن ضروری می‌نماید. به این منظور، طرح پژوهشی بررسی راههای تأمین منابع مالی دانشگاهها تصویب گردیده و به اجرا گذاشته شد.

در این مقاله، نتایج تحقیق مذکور به اختصار ارائه می‌شود. به این منظور، ابتدا چشم‌انداز وضعیت مالی آموزش عالی دولتی ایران ترسیم می‌شود. سپس، درباره دلایل موجود برای حمایت مالی دولت از آموزش عالی و حدود و نحوه آن بحث می‌گردد و در ادامه، بابررسی روشهای مختلف تأمین منابع مالی دانشگاهها در سطح جهان، تجارب کشورهای مختلف تحقیق می‌شود. آنگاه، پس از مرور منابع درآمد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در ایران، با توجه به راههای موجود در سطح جهان، توصیه‌ها و پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

۱- چشم‌انداز وضعیت مالی بخش آموزش عالی دولتی ایران

بحران مالی آموزش عالی در سطح جهان از یک سو بر اثر تقاضای فزاینده برای آموزش، و از سوی دیگر به دلیل محدودیت عمومی منابع مالی، پدید آمده است. کشور ما از مجموعه تحولات جهانی در دهه‌های اخیر، جدا نبوده و شرایط مشابه اگرچه با کمی تأخیر در بخش آموزش عالی ایران نیز جلوه گرفته است.

در ایران در طرف تقاضا، تقریباً "تمام عوامل مؤثر بر رشد تقاضای آموزش عالی را می‌توان مشاهده کرد. روند نسبت پذیرفته‌شدگان به شرکت‌کنندگان در آزمون سراسری نشان می‌دهد که به‌رغم آغاز به کار دانشگاههای غیردولتی، عواملی چون رایگان بودن آموزش عالی دولتی و کیفیت برتر آن سبب شده است که تقاضا برای آموزش عالی دولتی همچنان فزاینده باشد (جدول شماره ۱).

در طرف عرضه، محدودیتهای عمومی بودجه دولت که با اوضاع اقتصادی و متغیرهای کلان ارتباط دارد، باعث شده است که منابع مالی بخش آموزش عالی دولتی با محدودیت مواجه شود.

شاخصهای مالی بخش آموزش عالی دولتی نشان می‌دهند که سایر بخشهای اجتماعی برای دستیابی به سهم بیشتر، با بخش آموزش عالی رقابت نزدیک دارند. همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، مقدار نسبی شاخصهای (الف) تا (ه) (ستونهای ۷ تا ۱۱ جدول شماره ۲) به استثنای بعضی سالها به نفع بخش آموزش عالی تغییر کرده؛ ولی کاهش کلیه شاخصها در سال ۱۳۶۶ و شاخصهای (د) و (ه) در سال ۱۳۷۲ و شاخصهای نسبت مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات به مخارج عمومی دولت و مخارج بخش امور اجتماعی در سال ۱۳۷۴ نشان‌دهنده این است که اصولاً "سایر بخشهایی که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، برای دستیابی به سهم بیشتر با بخش آموزش عالی رقابت نزدیک دارند.

ارقام هزینه سرانه واقعی، کاهش منابع دولتی در دسترس بخش آموزش عالی را به نحو بهتری بازگو می‌کند. همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، هزینه سرانه واقعی در این بخش از ۳۲۲/۶ هزار ریال در سال ۱۳۶۲ به ۱۳۳/۷ هزار ریال در سال ۱۳۶۸ تنزل یافته و افزایش مجدد آن توانسته است این شاخص را به ۲۵۰/۶ هزار ریال در سال ۱۳۷۳ برساند. به عبارت دیگر، هزینه سرانه واقعی طی دوره ۷۳-۱۳۶۲، ۳۶٪ کاهش یافته است.

همراه با این مسأله، باید به این واقعیت توجه شود که رقابت سایر بخشهای امور اجتماعی با آموزش عالی در جذب بودجه عمرانی شدیدتر بوده است. شاخص افزایش اعتبارات جاری و عمرانی، و نسبت هریک به کل بودجه، نشان می‌دهد که در سالهایی که بودجه آموزش عالی با محدودیت مواجه گشته، بیشتر از اعتبارات عمرانی

کاسته شده است. از این روی، به خوبی می توان دریافت که ظرفیت سازی این بخش برای پاسخگویی به نیازهای آینده همواره محدودتر می شود؛ بویژه اینکه در شرایط مساوی، اعتبارات عمرانی، ارزش واقعی کمتری داشته است. لذا، دانشگاهها مجبور خواهند بود با بودجه کمتر به تقاضای بیشتر پاسخ دهند و این مبنایی برای تشدید وخامت اوضاع و بحران مالی است.^۱

مجموعه شرایط فوق چشم اندازی را ترسیم می کند که ناگزیر بررسی راه‌حلهایی را ایجاب می نماید و همان‌طور که گفته شد، از میان راه‌های مختلف، تدارک منابع مالی جدید را بررسی خواهیم کرد.

۲- لزوم حمایت دولت از آموزش عالی و حدود و نحوه آن

۲-۱- توجیه حمایت دولت از آموزش عالی

به هنگام طرح موضوع تدارک منابع مالی جدید، اولین موضوعی که به ذهنها خطور می کند (هرچند به خطا)، کاهش نقش حمایتی دولت است. به رغم این تصور اشتباه، واقعیات جهانی نشان می دهند که در نظامهای مختلف، تلاش برای کسب درآمد از منابع جدید، به کاهش حمایت دولت از این بخش منجر نشده است.

دلایل متعددی برای توجیه حمایت مستمر و اساسی دولت از آموزش عالی وجود دارند که اگرچه اتکای صرف به منابع دولتی را توجیه نمی کنند، ولی لزوم استمرار حمایت دولت را تأیید می کنند.

در مباحث کلاسیک اقتصاد آموزش و پرورش، معمولاً "برای توجیه مداخله دولت، یا به عبارت دقیق‌تر، حمایت مالی دولت از آموزش عالی دلایلی ذکر می شود. صرف نظر از دلایل فوق، حمایت مالی از آموزش عالی در مباحث جدیدتر با این واقعیت توجیه می شود که لزوم حفظ استانداردهای بین‌المللی در این بخش و رشد سریع تکنولوژی و تکنیکی شدن تدریس در بعضی رشته‌ها، افزایش شاخص قیمت تجهیزات، به همراه لزوم حفظ امکانات در سطح مقبول، حمایت اساسی و مستمر دولت را می طلبد و اگر این وظیفه به بخش خصوصی موکول شود، اهداف مورد نظر تحقق نخواهد یافت. چنانکه شواهد موجود در سطح جهان نیز حاکی از پایین بودن کیفیت آموزش عالی خصوصی

نسبت به آموزش عالی دولتی است [۱، ص ۲۳ و ۲۴]. در این خصوص، بویژه برای نکته تأکید می‌شود که ابداعات و ابتکارات آموزشی، مثل تأسیس رشته‌های جدید، به کمک‌های اساسی آغازین (Start-Up Grants) نیاز دارد (OECD, P.41).

۲-۲- حمایت مالی مستقیم یا غیرمستقیم

از نظر خط‌مشی کلی، حمایت از آموزش عالی به یکی از دو طریق، اعطای کمک‌های مستقیم به مؤسسات آموزش عالی و اعطای کمک از طریق دانشجویان، میسر است. نظریه غالب این است که کمک‌ها باید غیرمستقیم اعطا شود. مدافعان این نظریه معتقدند که اعطای مستقیم اعتبارات، مستلزم کنترل نحوه هزینه کردن آنهاست و این کنترل خود هزینه‌های دیگری را به دنبال دارد. در صورتی که اگر مصرف‌کنندگان خدمات آموزش عالی را افرادی مطلع قلمداد کنیم، طبق نظریه سیادت مصرف‌کننده (Consumer Sovereignty)، آموزش عالی در جهت تقاضای بازار و امکانات اشتغال هدایت شده و کارایی برقرار می‌شود؛ بویژه اینکه نارساییهای برنامه‌ریزی نیروی انسانی، نظر عمومی را به سمت طرد روشهای برنامه‌ریزی متمرکز و حرکت به سمت یک نظام مناسب کنترل شده بازار متمایل کرده است (ساخاروپولوس، ۱۳۷۰، ص ۱۴۸).

البته این مطالب نقض‌کننده این موضوع نیست که بخشی از حمایت‌های دولت مانند مواردی چون پژوهش‌های بنیادی و توسعه رشته‌های علوم پایه، باید مستقیماً به مؤسسات اختصاص یابد. از طرف دیگر، مخالفان نظریه فوق معتقدند که انتقال کمک‌های دولتی از طریق دانشجویان ممکن است به مصرف‌گرایی آموزش عالی منجر شود. به همین دلیل، در اکثر کشورها، کمک‌های دولتی به صورت ترکیبی از روش مستقیم و غیرمستقیم تخصیص می‌یابد.

۲-۳- حدود حمایت مالی دولت

تصمیم‌گیری در مورد حجم یارانه دولت به آموزش عالی در اکثر کشورها تابعی از وضعیت بودجه دولت‌هاست (OECD, P.14). تجارب کشورهای مختلف نیز مؤید این مطلب است؛ لکن تجربه کشورهایی که آموزش عالی خصوصی در آنها سهم مهمی دارد، نشان می‌دهد که فعالیت بخش خصوصی به رشته‌هایی محدود می‌شود که هزینه سرانه

در آنها کمتر است (به استثنای ایالات متحده آمریکا) (حائز، ص ۲۸).
اگر نسبت هزینه‌های آموزش عالی به تولید ناخالص ملی به عنوان یک ملاک در نظر گرفته شود، در کشورهای مختلف این نسبت از ۰/۵ درصد تا ۲/۵ درصد متغیر بوده است. این شاخص در سال ۱۳۷۳ برای ایران ۱/۱ درصد بوده است. حتی اگر حد متوسط جهانی نیز ملاک قرار گیرد، رشد هزینه‌های دولت ضروری است.

۲-۴- نحوه حمایت مالی دولت

کمک‌های اعتبارات دولتی به مؤسسات آموزش عالی معمولاً در قالب کمک‌های مالی یکجا، کمک‌های مالی برای طرح‌های خاص و معافیت مالیاتی پرداخت می‌شود. نحوه اعطای کمک‌ها، نظام تخصیص بودجه را شکل می‌بخشد. نظام‌های تخصیص بودجه در سطح جهان متفاوت است.

تغییراتی که در سازوکارهای تخصیص بودجه ایجاد شده، در دو جهت بوده است: اعطای استقلال مالی به مؤسسات آموزش عالی و سوق دادن منابع به سمت اولویتهای ملی. بسیاری از دولتها، برای تأثیرگذاری بر فعالیتهای مؤسسات، مشوق‌های مالی را روش کارآتری نسبت به مداخله اداری تشخیص دادند و به این منظور، در روشهای جدیدتر تخصیص بودجه، علاوه بر در نظر گرفتن برنامه‌ها، تعداد دانشجویانی که دروس خود را به اتمام رسانده‌اند، به جای تعداد دانشجویان کل، ملاک قرار گرفته‌اند. جنبه‌های مشترک اکثر تغییرات، کیفیت است؛ یعنی در تعیین حجم بودجه، عملکرد دانشگاه عامل مهم و اساسی است و در افراطی‌ترین حالت، سعی شده از روش قراردادی استفاده شود که در آن، نهاد دولتی تأمین کننده بودجه، در واقع، خریدار خدمات مؤسسات آموزش عالی است و رقابت را در بین آنها ایجاد می‌کند (OECD, P.55). بدیهی است روش مذکور در تمامی موارد نتیجه مثبت ندارد؛ زیرا بسیاری از پژوهشهای بنیادی منابع فراوان و گاهی نامحدود نیاز دارند. اکثر ابداعات و کشفیات علمی پیش‌بینی نشده، پس از تحقیقات مستمری که محدوده زمانی معین ندارند، تحقق می‌یابند. از طرف دیگر، رقابت بیش از حد، ممکن است اهداف و رسالت‌های ارزشمند نظام آموزش عالی را تحت الشعاع قرار دهد؛ ولی استفاده از این شیوه در بعضی موارد برای افزایش روحیه مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها مؤثر بوده است.

در بین روشهای تخصیص بودجه جدید، نظام کشور دانمارک ویژگی جالبی دارد. در این نظام برای هدایت دانشجویان به سمت اهداف مورد نظر و افزایش کیفیت تحصیلی آنان، به هر دانشجو کارت واحدهای درسی (Clip Card) اعطای می‌شود که ۴۸ برگ برش دارد و به ازای همراه تحصیل یک برگ آن جدامی‌شود. چون دانشجویس از اتمام تحصیلات در مقطع کارشناسی می‌تواند از باقیمانده کارت برای دوره‌های بالاتر نیز استفاده کند، تشویق می‌شود که تحصیلات خود را در مدت کمتری به اتمام رساند (OECD, P.66)^۲

۳- روشهای تأمین منابع مالی دانشگاهها در جهان

در یک تقسیم‌بندی کلی، منابع مختلف تأمین مالی آموزش عالی را بر اساس افراد ذینفع آن می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد. در گروه اول منبع تأمین هزینه‌ها، دانشجو یا والدین وی هستند. در گروه دوم معمولاً کارفرمایان، سازمانهای مختلف و مؤسسات تحقیقاتی قرار دارند که با خرید خدمات آموزشی و پژوهشی، بخشی از منابع مورد نیاز دانشگاهها را تأمین می‌کنند. گروه سوم نیز مالیات دهندگان (دولت) و گروه چهارم افراد خیر و بنگاههای خیریه هستند.

از طرف دیگر، روشهای انتقال منابع فوق به مؤسسات آموزش عالی به دو شکل عمده، یعنی به صورت تأمین مالی دانشجویان و تأمین مالی مستقیم مؤسسات است. اولویت هر یک از سازوکارهای فوق، بر دیگری بستگی به این دارد که روش مذکور تا چه اندازه موجب دستیابی بهتر و بیشتر به آموزش عالی شود.

۳-۱- تأمین مالی دانشجویان

معمولاً انتقال منابع مالی از دانشجویان به مؤسسات آموزش عالی (صرف نظر از هدایا، وقف و کمکهای فارغ التحصیلان) از طریق شهریه و به دو شکل شهریه ثابت و متغیر است.

دلایل طرفداران اخذ شهریه تقریباً همان دلایلی است که در مورد مزیت اعطای یارانه مستقیم عنوان شد. ضمن اینکه معتقدند در شرایط محدودیت بودجه دولت و مازاد تقاضا، درآمد شهریه چنانچه صرف توسعه ظرفیتهای آموزشی شود، عرضه آموزش

عالی را افزایش می‌دهد و دستیابی به آن رایج‌تر می‌کند. در مقابل، مخالفان اخذ شهریه به مسایلی چون احتمال کاهش تقاضا، بهینه‌نبودن حجم فعالیتهای آموزشی و همچنین تخطی از عدالت اجتماعی اشاره می‌کند.

در مجموع، مطلوبیت سیاست اخذ شهریه منوط به تأثیر آن در دو بعد است: تأثیر بر حجم کل منابع مالی آموزش عالی و تأثیر بر افزایش کارایی مؤسسات (OECD, P.63). در کشورهای مختلف، تجارب شهریه متفاوت است. بعضی اصولاً "شهریه دریافت نمی‌کنند؛ در بعضی از آنها نیز شهریه دریافتی کل هزینه‌ها را می‌پوشاند و در بعضی دیگر خیر؛ ولی در اکثر کشورها به همراه دریافت شهریه، برنامه‌های کمک دانشجویی نیز تدارک دیده شده است.

بدیهی است هرچه درآمد حاصل از دریافت شهریه بیشتر صرف اعطای کمک شود، امکان توسعه ظرفیتها کمتر است. عکس این مورد نیز صادق است. در صورتی که منافع اجتماعی برخی رشته‌های تحصیلی یا کلیه رشته‌ها معتنا باشد، شاید لازم باشد که شهریه تعیین شده کمتر از هزینه واقعی آموزش باشد. به استثنای رشته‌های بسیار تخصصی که حمایت اساسی دولت رami طلبد، اعطای اختیارات محدود قانونی به مؤسسات دولتی برای اخذ شهریه می‌تواند درآمد آنها را افزایش دهد. بدیهی است که باید برای مقاطع مختلف و حتی دانشگاههای مختلف حق تعیین شهریه متفاوت قایل شد. همچنین تأثیر شهریه بر ایجاد فاصله بیشترین مناطق محروم و پیشرفته را نباید از نظر دور داشت.

برای جلوگیری از محرومیت دانشجویان خانوارهای کم درآمد، دانشجویان مذکور مشمول دریافت کمک قرار می‌گیرند. حمایت از دانشجویان به دو شکل کلی، کمکهای بلاعوض یا کمک دانشجویی و وام دانشجویی انجام می‌پذیرد. اعطای کمکهای دانشجویی از دیرباز معمول بوده است که با افزایش تعداد دانشجویان، ادامه آن برای دولت‌ها دشوار شد و به منظور کاهش بار هزینه‌های دولت، وام دانشجویی جایگزین کمک دانشجویی گردید (Woodhall, 1992 & Woodhall, 1988).

در بعضی کشورها، موضوع پیش پرداخت شهریه طراحی گردیده و به اجرا گذاشته شده است که در آن دانشجو به ازای پیش پرداخت شهریه از تخفیف ویژه برخوردار می‌شود. در واقع این اقدام، نوعی خرید سهام آموزشی مؤسسات آموزش

عالی است که دانشگاه یا مؤسسه مربوطه در مقابل، متعهد به پرداخت سود سهام به صورت مابه‌التفاوت شهریه دریافتی و شهریه پیش پرداخت شده است. تسهیل یا اجرای موفق این طرح (که در دانشگاههای خصوصی ایالات متحده آمریکا رواج دارد) منوط به تحقق شرایط زیر است (Hart, 1987):

- ۱- مشارکت وسیع تمامی دانشگاهها در سطح کشور
- ۲- امکان انتقال منافع به طور محدود (امکان استفاده فرزند دوم)
- ۳- زمان بندی انعطاف پذیر برای استفاده از شهریه پیش پرداخت شده
- ۴- مشارکت نامحدود از نظر تعداد افرادی که متقاضی آن باشند
- ۵- امکان پرداخت اقساطی پیش پرداخت شهریه
- ۶- قابلیت انعطاف در مورد پیش خرید بخشی از شهریه کامل.

بدیهی است اجرای این طرح، منوط به تضمین توسعه کمی ظرفیتهای آموزشی است. از کاربردهای دیگر این طرح، امکان هدایت دانشجویان به سمت مناطق خاص و کمک به منطقه‌ای شدن آموزش عالی ذکر شده است. به علاوه، سرمایه‌گذاری و جوه جمع‌آوری شده از این طریق در فعالیتهای سودآوری می‌تواند به ایجاد منابع جدید برای دانشگاهها کمک کند.

اندیشه مشابه این طرح اعطای معافیت مالیاتی به پسران و والدین برای هزینه تحصیل فرزندانشان است. مخالفان این روش معتقدند که با این کار صرفاً "منافع مادی بیشتری برای افراد متمول ایجاد می‌شود و با اصل هدف اعطای کمک دانشجویی که برابری فرصتهای آموزشی و عدالت اجتماعی است، منافات دارد.

به طور کلی، مزایا و معایب متعددی برای وامهای دانشجویی، هم برای دانشجویان و هم برای مؤسسات آموزش عالی، ذکر می‌شود؛ ولی مهمترین مسأله در زمینه وامهای دانشجویی به عنوان ابزاری برای تأمین منابع مالی این است که چون بازیافت هزینه‌ها در این روش در مدت طولانی صورت می‌گیرد و منابع مورد نیاز آن را اغلب باید دولت تأمین کند، تأمین مالی آموزش عالی به صورت متمرکز تداوم می‌یابد و برای کاهش بار هزینه‌های دولت چندان راهگشا نیست. علاوه بر اینکه هزینه‌های اداری آن، بار دیگری را نیز تحمیل می‌کند. گذشته از این، مشکلاتی مثل عدم اطمینان از بازپرداخت اصل وام

در کشورهای در حال توسعه و سایر مشکلات اجرایی، کارآمد بودن برنامه‌های مذکور را در این کشورها زیر سؤال می‌برد.

تجارب کشورهای مختلف در زمینه وام دانشجویی از نظر منابع تأمین‌کننده وام، روش‌های جمع‌آوری اقساط وام، شرایط دریافت‌کنندگان و ابزارهای تشویقی متفاوت است.^۲

آنچه مسلم است این است که اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌های وام دانشجویی در کشورهای توسعه‌یافته (البته نه به این معنی که کل دانشجویان راتحت پوشش قرار دهد و باز یافت هزینه‌ها از طریق آن چشمگیر باشد)، دلیلی بر سهولت اجرای آن در کشورهای در حال توسعه نیست و اصولاً "چون باز یافت هزینه‌ها در این روش نسبت به راه‌های دیگر تأمین منابع مالی در مدت طولانی‌تری انجام می‌شود، اگر کاهش سریع بار هزینه‌های دولت مدنظر باشد، این روش در اولویت قرار نمی‌گیرد.

روش دیگری که برای جبران هزینه‌های انجام شده توسط دولت در آموزش عالی وجود دارد - و چون شبیه وام دانشجویی است، در همین بخش به آن می‌پردازیم - دریافت مالیات از فارغ‌التحصیلان، یا به عبارت بهتر، از کسانی است که در دوره‌های آموزش عالی تحصیل کرده‌اند (اعم از اینکه فارغ‌التحصیل شده باشند یا خیر). در این روش که همانند یک نظام مالیات بر درآمد تصاعدی است، می‌توان نرخ‌های متفاوت اعمال کرد و باز یافت هزینه‌ها در مدت کوتاه‌تری نسبت به وام‌های دانشجویی انجام می‌پذیرد. نتایج یک شبیه‌سازی از اعمال مالیات فارغ‌التحصیلی و مقایسه آن با وام‌های دانشجویی متناسب با درآمد، نشان داده است که در روش اول، هزینه‌ها در دوره کوتاه‌تری باز یافت می‌شوند (Albercht, 1993).

کشوری که فعلاً از این سازوکار استفاده می‌کند، استرالیا است. این کشور طرح یاد شده را از سال ۱۹۸۹ شروع کرده است و بر اساس آن دانشجویان موظفند تقریباً ۲۰ درصد هزینه‌های آموزشی را بانرخ بهره متغیر (که بانرخ تورم تعدیل می‌شود) بپردازند. این بدهی به صورت مالیات بر درآمد ۲ الی ۴ درصدی پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه درآمد آنها بیش از درآمد متوسط باشد (Johnstone, 1992).

یکی دیگر از روش‌های کمک مالی به دانشجویان، تدارک کارهای پاره وقت برای آنان است. تدارک این مشاغل معمولاً با حمایت و یارانه دولت صورت می‌گیرد. به عنوان

مثال، در ایالات متحده، کمکهای دولت ۷۰ درصد هزینه تدارک مشاغل دانشجویی را تأمین می‌کند (Mc Pherson, 1991).

به دلیل محدود بودن امکانات کار-تحصیل یا همان مشاغل دانشجویی، در اکثر کشورها این مشاغل، مقاطع خاص و یارشته‌های خاصی را شامل می‌شوند. در کشورهای پیشرفته، طیف وسیعی از کارهای دانشجویی در خارج از دانشگاه و در ارتباط با بخشهای اقتصادی-اجتماعی است که علاوه بر منافع مادی آن برای دانشجو، منافع دیگری به صورت ایجاد زمینه‌های همکاری بین دانشگاه و سایر بخشهای جامعه به ارمغان می‌آورد.

۲-۳- تأمین مالی مؤسسات

تأمین مالی مؤسسات دومین سازوکار عمده تأمین مالی آموزش عالی است. در این سازوکار منابع مالی مستقیماً به مؤسسات آموزش عالی انتقال می‌یابد. در اینجانبین راههای کسب درآمد مؤسسات به سه گروه اصلی پرداختهای انتقالی، درآمدهای جاری و وام تقسیم می‌شوند.

گروه اول، یعنی پرداختهای انتقالی به دودسته پرداختهای انتقالی دولتی و خصوصی تقسیم می‌شود. پرداختهای انتقالی دولتی، همان‌طور که در بخش نحوه حمایت دولت گفته شد، معمولاً به شکل کمکهای یکجا و با اعتبارات دولتی برای هزینه‌های جاری و عمرانی است. معیارها و روشهای گوناگون تخصیص بودجه یا کمکهای دولتی را در همان بخش بحث کردیم.

شکل دیگر پرداختهای انتقالی دولت به مؤسسات آموزش عالی، معافیتهای مالیاتی است. به طور کلی، معافیتهای مالیاتی به دودسته معافیتهای موضوعی و پایه درآمدی تقسیم می‌گردند.

در بعضی از کشورها (از جمله ایران) معافیت مالیاتی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از نوع معافیت موضوعی است و در بعضی از کشورها از نوع پایه درآمدی. معافیتهای پایه درآمدی معمولاً به صورت معافیت مالیات بر درآمد اجاره یا دارایی، و به طور کلی، فعالیتهای تجاری یا جانبی مؤسسات است، به شرط اینکه درآمدها از فعالیتهای بی ربط با زمینه فعالیت مؤسسه کسب نشده باشد.

نمونه‌هایی از معافیت مالیاتی درآمدهای دانشجویان بابت کارهای دانشجویی نیز متداول است. در سالهای اخیر بخشودگی مالیاتی فعالیتهای تجاری مؤسسات آموزش عالی محدود شده است؛ زیرا این‌گونه فعالیتهای تدریج رسالت اصلی این مؤسسات را تحت الشعاع قرار می‌داد (Roak, 1991).

بخش دیگر پرداختهای انتقالی به مؤسسات، پرداختهای انتقالی خصوصی است که بخش عمده آن به شکل هدایا و اعانات از طرف افراد حقیقی و حقوقی اعطای می‌شود. بدیهی است مؤسسات آموزش عالی در مورد این‌گونه منابع درآمدی کنترل کمتری دارند و این منابع، تا حد زیادی به اصطلاح برونزا هستند. تنها نقش مؤسسات، اقداماتی برای جلب این درآمدهاست. این اقدامات، معمولاً "رعایت تمایلات و اولویتهای متقاضیان است. آمار موجود نشان می‌دهد که مؤسسات خصوصی در جلب وجوه خیریه موفقتر بوده‌اند (Froomkin, 1990). ارجحیت افراد خیراین است که در اداره امور دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی شریک شوند؛ مثلاً، برای بهره‌برداری از یک کشف جدید سرمایه لازم را تأمین و حتی سود سهام خود را نیز برای توسعه مؤسسه اهدا کنند.

از جمله نهادهای موفق دیگری که برای جذب وجوه اعانه به مؤسسات آموزش عالی فعالیت می‌کنند، انجمنهای خاصی هستند که با شناسایی و طبقه‌بندی افراد خیریه گروههای مختلف و شناخت تمایلات آنها، اطلاعات منسجم و منظمی از آنان تهیه و در جهت ترغیب آنها برای کمک به دانشگاهها، اقدام می‌کنند^۴ (Peirce, 1992).

منبع دوم از مهمترین منابع تأمین مالی مؤسسات، درآمدهای جاری است. در این گروه عمده‌ترین منبع درآمد، شهریه‌های پرداختی توسط دانشجویان یا بنگاههای ضامن آنهاست. درآمد خوابگاهها، رستوران، فروش ملزومات و کتاب، و قراردادهای آموزشی و تحقیقاتی با دولت یا صنایع یا خارج از کشور و درآمد فعالیتهای تجاری نیز در این گروه قرار می‌گیرند. معمولاً درآمد خوابگاهها، رستوران و فروش ملزومات و کتاب تحت عنوان کلی درآمدهای فروش خدمات دانشجویی دسته‌بندی می‌شوند. در بخش تأمین مالی دانشجویان، درباره شهریه به تفصیل بحث شد. در اینجا به بررسی قراردادهای آموزشی و تحقیقاتی و فروش خدمات و درآمد فعالیتهای تجاری می‌پردازیم.

یکی از منابع کسب درآمد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در کشورهای پیشرفته، قراردادهای همکاری با صنایع و سایر بنگاههای تولیدی و خدماتی است. این

منابع درآمد درکشورهایی مثل ایالات متحده وژاپن متداولترند، ولی درکشورهایی که آموزش عالی خصوصی در آنها قابل توجه نیست نیز مشاهده می شوند.

قراردادهای آموزشی و پژوهشی نه تنها بین مؤسسات آموزش عالی خصوصی و بخشهای تولیدی و تجاری منعقد می شود، بلکه در بسیاری موارد، کمکها و اعتبارات دولتی نیز از این طریق به مؤسسات تخصیص می یابد. این شیوه ابتدا برای دریافت کمکهای تحقیقاتی و به صورت انفرادی بین اعضای هیأت علمی و صنایع معمول بود؛ ولی بتدریج با کاهش بودجه مؤسسات، آموزش عالی و رواج فعالیتهای غیررسمی، این قراردادها نیز توسعه و تعمیم یافت.

با پی بردن به اهمیت این نوع درآمدها، دولتها بر آن شدند که برای افزایش توان دانشگاهها در جذب این گونه وجوه از بخشهای صنعتی و تولیدی، ضمن افزایش بودجه تحقیقاتی دانشگاهها، بودجه مورد نظر را در قالب قراردادهایی به آنها اختصاص دهند. با این شیوه، در واقع، حس مسؤولیت پذیری در هزینه کردن منابع رانیز در دانشگاهها تقویت می کردند.

منافع این شیوه تأمین مالی باعث گردید که بعدها حتی در اعطای بودجه از طرف دولت، این شیوه، یعنی تخصیص بودجه به صورت قراردادی مورد توجه قرار گیرد.

البته افزایش سهم این گونه درآمدها در کل درآمد مؤسسات، معایبی نیز در بردارد و آن سوق یافتن آنها به سمت تحقیقات کاربردی و تحت الشعاع قرار گرفتن تحقیقات بنیادی است؛ زیرا معمولاً بخشهای تجاری و تولیدی به تحقیقات کاربردی اهمیت بیشتری می دهند؛ اما به رغم وجوه اختلاف و معایب احتمالی که در این مورد وجود دارد، از قبیل فاصله گرفتن بخش آموزش عالی از اهداف اصلی و خارج شدن منابع انسانی و مادی مؤسسه از مسیر عادی آموزش و پژوهش، احتمال تغییر اولویتهای طرفهای قرارداد و عدم تداوم همکاری، مزایایی مثل ارتباط مستقیم و درگیر شدن با مسایل واقعی، امکان دستیابی دانشجویان و اعضای هیأت علمی به تجهیزات بخش تجاری، بهبود فرصتهای اشتغال برای فارغ التحصیلان و امکان تقویت و حمایت سیاسی طرفهای قرارداد از آموزش عالی باعث شده است که از دهه ۱۹۷۰ تا کنون این همکاریها رشد نسبتاً خوبی داشته باشد (Williams, B.R, 1992 & Williams, G. 1992).

یک اقدام کلی در روند توسعه همکاری بخش دانشگاهی و بخش تولیدی - تجاری

این بوده است که روابط و همکاریهای این دویخس را از شکل اولیه آن که به صورت انفرادی بود، خارج سازند و به صورت منظم بین دانشگاه و طرف تجاری یا تولیدی درآورند.

بخش دیگری از درآمدهای جاری مؤسسات آموزش عالی، درآمد حاصل از فروش خدمات آموزشی و پژوهشی است. این نوع از درآمدها به ظاهر شبیه درآمد قراردادهای تحقیقاتی است؛ اما از نظر طیف زمانی با آن تفاوت دارد و درآمد حاصل از برگزاری دوره‌های کوتاه مدت، خدمات بهداشتی و خدمات دانشجویی را شامل می‌شود. در بعضی کشورهای تکنیک و تمایز دقیقی بین این نوع درآمدها و درآمد قراردادهای تحقیقاتی نمی‌توان قایل شد.

در بعضی کشورها از جمله دانمارک، برای افزایش این نوع درآمدها قوانین موجود را اصلاح کرده‌اند که هدف از آن لغو لزوم واریز درآمدهای مذکور به خزانه بوده است؛ اما در عین حال کشورهای هم وجود دارند (ژاپن) که در این مورد با احتیاط عمل کرده‌اند. سهم درآمدهای پیش‌گفته در کشورهای مختلف از ۶ تا ۲۰ درصد متفاوت است و در مؤسسات خصوصی به ۲۳ درصد نیز می‌رسد (OECD, P.33-35). شرط موفقیت یک دانشگاه در کسب این نوع درآمدها، بازاریابی مؤثر از طریق تحقیق جامع در مورد انواع فعالیتها و صنایع تولیدی و واحدهای جزء و عمده تجاری و خدماتی است. برای بازاریابی از روشهای مختلفی می‌توان استفاده کرد؛ ولی تجربه بعضی کشورهایشان داده است که تماسهای حضوری و مذاکرات در سطح بالا بین رؤسای دانشگاهها و رؤسای بنگاهها مؤثرترین راه بوده است.

از همه مهمتر اینکه انعطاف‌پذیری در تطبیق محتوای برنامه‌های آموزشی با نیازهای مشتریان و واکنش سریع و کیفیت بالای آموزشها از موز موفقیت دانشگاهها در این زمینه بوده است و بدیهی است که موارد فوق در گرو مدیریت اجرایی و مالی قوی است.^۵ الگوهای مختلفی برای همکاری در برگزاری دوره‌های آموزشی وجود دارد. بر اساس بعضی از آنها، دانشگاه به تنهایی بایک صنعت یا سازمان قرارداد منعقد و محتوای برنامه آموزشی، طول دوره و تاریخ آن را با موافقت متقاضی تعیین می‌کند. این دوره‌ها هم در محل و هم در داخل دانشگاه قابل اجرا هستند. در الگوی دیگر، دانشگاه به همراه چند انجمن یا سازمان تخصصی به طور مشترک اجرای دوره‌های آموزشی را به عهده می‌گیرد.

این الگو در واقع بیشترین شکل تأسیس مراکز آموزشی خاص، مانند مرکز آموزش مروج بهداشت است. نظارت بر کیفیت و تناسب آموزشها نیز به عهده یک کمیته مرکزی متشکل از نمایندگان تمامی شرکاست. اینگونه همکاریها در واقع منجر به تأسیس یک مرکز آموزشی یا پژوهشی مشترک می شود که در بعضی موارد از کمکهای دولت نیز بهره مند می شوند (Lestina, 1989). این شرکتهای مراکز، تحت عنوان کلی مراکز تحقیق و توسعه معروف اند. این انگوه در آن سازمان یا گروه تخصصی به دانشگاه ملحق می شود، این مزیت رادار است که ضمن انعطاف پذیری برای تغییر محتوای دوره ها، روند عادی فعالیت دانشگاه متأثر نمی شود.

بخش دیگری از درآمدهای جاری مؤسسات آموزش عالی از فعالیتهای تجاری تأمین می شود. این درآمدها شامل اجاره ساختمانها و تأسیسات دانشگاهها برای مصارف مختلف و درآمد حاصل از داراییهای مالی، صنعتی و املاک یا داراییهای وقفی (Endowment) و امثال آن است. در این گروه، درآمدهایی مانند اجاره ساختمان، فروش خدمات آزمایشگاهی و بهداشتی و مانند آن برای همگان شناخته شده اند. در اینجا درآمد داراییهای وقفی را بیشتر توضیح می دهیم.

اکثر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، بویژه دانشگاههای خصوصی، انواع مختلفی از اموال و وجوه امانی یا به اصطلاح، داراییهای وقفی دارند که عبارت است از اموال و داراییهای مالی، صنعتی و املاک که اصل آنها محفوظ می ماند و فقط درآمد آن برای مقاصد عمومی مصرف می شود. به این ترتیب، اصطلاح داراییهای وقفی، به هرگونه اموال یا وجوهی که سه اصل زیر در مورد آنها صدق کند، اطلاق می شود:

۱- غیر قابل مصرف بودن اصل اموال

۲- تولید درآمد از اموال

۳- به کارگیری درآمد حاصل برای مصارف عمومی یا مصارف خاص مؤسسه

داراییهای وقفی بر حسب میزان اختیار مؤسسات در مصرف کردن آنها به دو دسته تقسیم می شوند: اموال یا وجوه غیر مقید و اموال یا وجوه مقید.

بدیهی است که داراییهای نوع اول ترجیح دارد و یکی از وظایف هیأت امنای هر دانشگاه یا مؤسسه این است که حتی الامکان اهداکننده را متقاعد کند که اموال خود

رأبه صورت غیرمقیمد در اختیار مؤسسه بگذارد.

مزیت اصلی جمع‌آوری داراییهای وقفی این است که منبع درآمدی پایدار و نسبتاً قطعی برای مؤسسه است. چون برای دانشگاه استقلال ایجاد می‌کند و آن را از فشارهای ناگهانی درمان نگه می‌دارد.

از نظر نوع نهاد اداره‌کننده این اموال، تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که یکی از نهادهای زیرمؤول این امر است:

- ۱- هیأت امنای دانشگاه یا مؤسسه
- ۲- کمیته خاصی از هیأت امنابه نام کمیته داراییهای وقفی یا کمیته سرمایه‌گذاری
- ۳- بعضی از دفاتر هیأت امنای مثل خزانه داری، مدیرتجاری و گاهی اوقات دفنریاست
- ۴- یک سازمان تجاری به عنوان امین مشترک.
- ۵- یک شورای سرمایه‌گذاری که به صورت پاره وقت فعالیت می‌کند
- ۶- بعضی سازمانهای نهادهای خارجی در سطح عالی، مثل یک نهاد مردمی یا مذهبی، که اداره داراییها را برعهده می‌گیرند و فقط درآمد آن را در اختیار دانشگاه می‌گذارند.

بررسیهای به عمل آمده نشان داده‌اند که موارد ۱ و ۲ و ۶ عملکرد خوبی داشته‌اند. اصل مهم دیگر در موفقیت دانشگاه برای تأمین منابع مالی از داراییهای وقفی، تنوع آن است که بالطبع به درجه مقید بودن اموال بستگی دارد. به عبارت دیگر، یکی از وظایف مدیریت اموال وقفی تنوع بخشیدن به اموال مذکور است به طریقی که ضمن حفظ اصل دارایی، بیشترین بازده را از آن به دست آورد. البته چون اهداف یک دانشگاه (به عنوان یک مؤسسه غیرانتفاعی) با اهداف سازمانها و شرکتهای دیگر (انتفاعی) متفاوت است، ثبات درآمد برای آنها مهمتر از حجم درآمد است. لذا مدیریت اموال وقفی باید از سرمایه‌گذاریهای پر مخاطره جلوگیری کند.

میزان مصرف درآمد داراییها، یابه عبارت دیگر، نرخ بهره‌برداری از آنها نیز از سواردی است که مدیریت اموال وقفی باید در آن زمینه، دقیق و صحیح تصمیم‌گیری نماید.

در این مورد نظریات متفاوتی وجود دارد. بعضی معتقدند که باید مصرف درآمد داراییهای وقفی به گونه‌ای باشد که ارزش واقعی داراییهای مذکور در طول زمان افزایش یابد.

بعضی نیزالگوی هزینه کردن درآمدهای مذکور را به صورت اهداف مالی مشخص درآورده‌اند. درواقع، خط مشی اخیر به این صورت است که هزینه‌های انجام شده از محل داراییهای واقعی، سهم ثابتی از کل هزینه‌های دانشگاه در تمام سالها باشد و فرض اصلی آنها در ارائه این الگو، افزایشی بودن هزینه‌های واقعی دانشگاه است (Grinold, 1987). به هر حال، هیچ‌یک از الگوهای فوق قطعی نیست. روند گذشته نشان داده هنگامی که وضعیت مالی دانشگاهها خوب بوده است، بر حجم داراییهای واقعی افزوده شده (مصرف کمتر و پس انداز بیشتر)، و بالعکس، به هنگام مضیقۀ مالی، انباشت داراییها کاهش یافته و حتی، در مواقع بحرانی از اصل داراییها نیز کاسته شده است. لذا نقش غالب داراییهای واقعی در تأمین مالی دانشگاهها، همان ذخیره احتیاطی برای مقابله بانوسانات درآمدی است.

یکی از راههای تأمین مالی آموزش عالی، بویژه دوره‌های کارآموزی در صنایع، مالیات بر لیست حقوق کارکنان است. از آنجاکه این نوع تأمین مالی، در واقع نوعی انتقال مستقیم منابع از جامعه به مؤسسات آموزشی است، در تقسیم بندی کلی که انجام شد، در گروه راههای تأمین مالی مؤسسات قرار می‌گیرد. در این قسمت با مروری بر تجارب کشورهای مختلف در این زمینه، این روش تأمین مالی را شرح می‌دهیم.

منابع مالی بخش آموزش دولتی معمولاً "از محل بودجه عمومی تأمین می‌شوند؛ یعنی کسورات مالیاتی و سایر درآمدهای دولت در خزانه متمرکزی شود و سپس به مؤسسات آموزشی به صورت اعتبار تخصیص داده می‌شود. مالیات لیست حقوق و عوارض یا مالیاتهای خاص روشی است که منابع مستمري را به صورت مستقیم از مالیات دهندگان به مؤسسات آموزشی تخصیص می‌دهد.

در سطح جهان، انواع مختلفی از مالیاتهای خاص وجود دارند که برای تدارک منابع مالی مؤسسات آموزشی وضع شده‌اند، مانند عوارض ۲/۰ درصدی بر تجهیزات وارداتی در اکوادور، مالیات ۲/۵ درصدی بر ارزش کل طرحهای ساختمانی بزرگ در هنگ کنگ و مالیات ۰۳/۰ درصدی بر ارزش کل صادرات پوشاک (Whalley, 1990). علاوه بر مالیاتهای فوق، مالیات لیست حقوق که در واقع یک نوع مالیات بر مصرف نیروی کار است، مالیاتی است که بر کل مبلغ هزینه‌های نیروی انسانی یک شرکت یا بنگاه تولیدی - خدماتی، یعنی ارزش کل لیست حقوق کارکنان آن وضع می‌شود. منابع

جمع‌آوری شده از این طریق به دو صورت می‌تواند صرف برگزاری دوره‌های آموزشی شود؛ یکی اینکه درآمدهای مالیاتی جمع‌آوری شده از این طریق را به مؤسسات آموزشی اختصاص دهند و دیگری اینکه بابخشودگی مالیاتی، بنگاه یا شرکت مورد نظر را وادار به برگزاری دوره‌های آموزشی کنند.

بدیهی است در صورتی که هدف از اعمال مالیات، تدارک منابع مالی مستمر برای مؤسسات آموزشی باشد، راه حل اول ترجیح دارد.

به کارگیری این مالیات در کشورهای در حال توسعه به دلیل ساختار متفاوت بازار کار آنها، تأثیر کاملاً مطلوب ندارد. در این کشورها بخش متشکل اقتصادی که می‌تواند مالیات را بر آنها اعمال کرد، مشاغل محدودی را شامل می‌شود و چون معمولاً بخش کشاورزی در آنها مورد حمایت خاص است، اعمال مالیات به مشاغل بخش شهری محدود می‌گردد. علاوه بر آن، در صورتی که نرخ بیکاری بالا باشد، چون این مالیات، کارفرمایان را به استفاده از تکنولوژی و سرمایه برگردن تولید تشویق می‌کند، شرایط اشتغال بدتر می‌شود. لذا به کارگیری این ابزار باید با دقت صورت گیرد.

از دیگر راه‌های تأمین منابع مالی دانشگاهها، ایجاد درآمد از طریق سرمایه‌گذاری در بازار سهام و اوراق بهادار است. چنانچه دانشگاهها منابع مالی (مازاد) به دست آمده از شهریه، فروش خدمات، کمکهای بلاعوض و داراییهای وقفی خود را در بازارهای مالی سرمایه‌گذاری کنند، از عایدات و بازده آن می‌توانند درآمد دیگری ایجاد کنند. در این قسمت شرایط استفاده از این روش تأمین مالی را بررسی می‌کنیم.^۷

در بخش درآمد داراییهای وقفی گفته شد که از وظایف مؤسسات آموزش عالی، ایجاد درآمد از این داراییهاست. یکی از راههای کسب درآمد از داراییهای (نقدی) وقفی سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی مانند خرید سهام و اوراق بهادار است.

بدیهی است که این امر به سادگی میسر نمی‌شود و ملاحظات زیادی را باید در نظر داشت؛ زیرا وظیفه اصلی دانشگاه یا مؤسسه مورد نظر حفظ اصل اموال است.

یکی دیگر از روشهای تأمین مالی از بازارهای مالی، استفاده از تسهیلات اعتباری است. این منبع در مقایسه با سایر منابع درآمد مؤسسات (پرداختهای انتقالی و درآمدهای جاری) سهم کمتری را در درآمد مؤسسات به خود اختصاص می‌دهد و اصولاً از این روش تأمین مالی اغلب در مؤسسات آموزش عالی خصوصی استفاده می‌شود و

مؤسسات دولتی کمتریه استقراض روی می آورند.

برای دانشگاههای دولتی روش متداولترین است که دولت با استفاده از سندقرضه عمومی (General Obligation)، بودجه لازم برای تأمین مالی دانشگاه را تدارک ببیند. این نوع استقراض به جای اینکه درترازنامه دانشگاه ظاهر شود، درترازنامه دولت منعکس می شود و مدیریت دانشگاه طرحهای سرمایه ای خود را به شورای قانونی مسؤول آموزش عالی در دولت تسلیم می کند و سپس دولت یک طرح بودجه را براین اساس تهیه و به قوه مقننه می فرستد. قوه مقننه نیز وام موردنیاز برای تأمین بودجه این طرحها را محاسبه می نماید. اگر تشخیص دهد که منابع کافی برای تضمین بازپرداخت این وامها از بودجه عمومی وجود دارد، طرح را تصویب می کند (Anderson, 1990).

از دیگر ابزارهای استقراض، انتشار اوراق قرضه است. انتشار اوراق قرضه برای تأمین هزینه های سرمایه ای و نگهداری تجهیزات، در ایالات متحده و کانادا سابقه دارد و به توصیه کارشناسان مالی، این نوع تأمین مالی نسبت به وام، هزینه کمتری دربردارد (Kavanagh, 1985)؛ اما سهم این منبع درآمد در بین سایر منابع درآمد آنها هنوز بسیار کم است (Anderson, 1990). دانشگاهها و کالجهای ایالات متحده آمریکا و کانادا مدت ها از اوراق قرضه بلندمدت ۲۵ الی ۳۰ ساله استفاده می کردند. استفاده از این روش، مستلزم آن است که کمیّت و نرخ بهره اوراق در حدی تعیین شود که تقاضای کافی برای آن را به وجود آورد. اگر نرخ بهره بسیار بالا باشد، هزینه انتشار اوراق افزایش می یابد. در صورتی که نرخ بهره زیاد پایین باشد، ممکن است تقاضای کافی برای آن وجود نداشته باشد. به دنبال این مشکلات، دانشگاهها به اوراق قرضه بانرخ متغیر تقاضا (Variable Rate Demand Bond = VRDB) روی آوردند. این گونه اوراق، مانند اوراق قرضه معمولی سررسید بلندمدت دارند؛ ولی دارای یک ویژگی حق فروش اند که به دارنده آن اجازه می دهد قبل از زمان سررسید بتواند اوراق خود را به بهای اسمی سرمایه اولیه به اضافه بهره متعلق به آن تا آن زمان، بازپس بفرشد. این ویژگی باعث می شود که همواره مقدار اوراق فروخته و با تقاضا شده متغیر باشد و از این لحاظ آن را اوراق قرضه بانرخ متغیر تقاضا نامیده اند. ویژگی حق فروش این اوراق، سبب می شود که نرخ بهره آن مانند اوراق بهادار کوتاه مدت باشد؛ یعنی در واقع، خریدار در قبال بهره مندی از حق فروش اوراق، حاضر به پذیرش بازده کمتر است و این ویژگی دوم برای انتشار دهنده (دانشگاه)

بسیار مفید است. استفاده از این ابزار استقراض، مستلزم بهره‌گیری از کارگزاری قوی است که در جنبه‌های مختلف دقیق تصمیم‌گیری و بموقع اقدام کند. این کارگزار انتشار اوراق، باز خرید اوراق و فروش مجدد آن را بر عهده دارد، ضمن اینکه با پشت نویسی اوراق اعتبار آن را تضمین می‌کند.^۸

بهره‌گیری از کلیه روشهای تأمین مالی از طریق بازارهای مالی و استقراض، در گرو کاربرد هوشمندانه آن است. بنابراین، استفاده از این ابزارها برای تمامی مؤسسات در تمامی شرایط توصیه نمی‌شود.

۴- منابع مالی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در ایران

در بخش گذشته، راههای تأمین منابع مالی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در سطح جهان بررسی گردید و تجارب کشورهای مختلف بیان شد. قبل از آنکه اولویت هریک از منابع مالی مذکور برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران تعیین شود، منابع مالی دانشگاههای دولتی را در ایران مرور می‌کنیم.

از آنجا که منابع مورد استفاده برای دوره‌های مختلف متفاوت بود، بررسی را به سه دوره تقسیم کرده‌ایم: دوره ۵۳-۱۳۴۷، دوره ۶۱-۱۳۵۴ و دوره ۷۴-۱۳۶۲.

در دوره ۵۳-۱۳۴۷ منبع عمده درآمد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، درآمد عمومی بوده است که گاهی سهم آن به نفع اعتبارات عمرانی سازمان برنامه کاهش یافته است. پس از این دو منبع، شهریه دانشجویان و درآمد بیمارستانها، البته با سهم بسیار کمتر، قرار داشته‌اند. در این دوره، تا سال ۱۳۵۰ گرایش به سمت کاهش وابستگی به دو منبع درآمد عمومی و سازمان برنامه بوده است؛ اما از سال ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ به بعد مجدداً وابستگی به دو منبع مذکور افزایش یافته است (جدول شماره ۴ سهم هریک از منابع درآمد را در کل درآمد مؤسسات آموزش عالی نشان می‌دهد).

طی دوره ۶۱-۱۳۵۴ نیز اعتبارات جاری از بودجه عمومی، بیشترین سهم را در درآمد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی به خود اختصاص داده، و پس از آن اعتبارات عمرانی قرار داشته است. در این دوره، درآمدهای اختصاصی که سهم آنها از ۳ درصد فراتر نرفته است، از محل عرضه خدمات بهداشتی و درمانی، کمکهای دریافتی، فروش نشریات و خدمات آموزشی و فرهنگی ایجاد شده بوده که در بین آنها درآمد حاصل

از خدمات بهداشتی و درمانی همواره بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. مقایسه این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که در دوره اخیر، وابستگی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به بودجه عمومی بیشتر شده است؛ به طوری که درآمد دانشگاهها از سایر منابع (غیر از بودجه عمومی) به $\frac{3}{4}$ درصد کاهش یافته است. البته باید اشاره کرد که منابع اطلاعاتی این دو دوره متفاوت بوده است و چون بجز ارقام موجود در قانون بودجه کل کشور به منبع دیگری دسترسی نداشته‌ایم، ممکن است در دوره دوم درآمدهای گزارش نشده‌ای وجود داشته باشد؛ اما چون در سال ۱۳۵۴، تعدادی از مؤسسات آموزش عالی خصوصی تحت پوشش دولت قرار گرفتند، و از طرف دیگر، در پنج سال آخر دوره دوم (۶۱-۱۳۵۷)، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از ثبات کافی برخوردار نبودند، احتمال کاهش درآمد آنها از منابع غیر بودجه عمومی چندان دور از واقعیت نیست.

بررسی منابع درآمد دانشگاههای دولتی طی دوره ۱۳۶۲-۷۴ نشان می‌دهد که در این دوره بتدریج از سهم اعتبارات جاری و عمرانی کاسته شده است و درآمدهای اختصاصی، سهم بیشتری را در کل درآمد دانشگاههای مذکور به دست آورده‌اند. در این دوره نیز درآمد حاصل از خدمات درمانی، بیشترین سهم را در کل درآمدهای اختصاصی داشته است. علاوه بر این، سایر درآمدهای اختصاصی، از جمله فروش محصولات کشاورزی و صنعتی، خدمات آموزشی و فرهنگی، درآمد حاصل از دریافت شهریه و درآمدهای متفرقه نسبت به دوره‌های قبل افزایش داشته و در مجموع باعث گردیده است که سهم درآمدهای اختصاصی در کل درآمد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی افزایش یابد و به ۱۳ درصد در سال ۱۳۷۱ برسد. این درآمدها در سال ۱۳۷۴ از رشد بسیار چشمگیری برخوردار شده است (جدول شماره ۵ و ۶). بررسی روند منابع تخصیص یافته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از محل درآمدهای اختصاصی ایجاد شده نشان می‌دهد که نحوه (درصد) تخصیص این درآمدها به دانشگاهها، تأثیر مستقیم بر انگیزه آنها برای ایجاد این درآمدها داشته است.

برای اطلاع از درآمدهایی که ممکن است در قانون بودجه منعکس نشود، پرسشنامه‌ای تنظیم و به مؤسسات آموزش عالی ارسال گردید. نتایج این پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که منابع درآمد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی در سالهای

گذشته بتدریج از تنوع بیشتری برخوردار شده‌اند و از سال ۱۳۶۶ کمکهای بخش خصوصی رادریین این منابع می‌توان یافت. سهم منابعی، چون وام و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاران بسیار ناچیز بوده و در دو سال اخیر به فهرست منابع درآمد دانشگاهها اضافه شده است (جدول شماره ۷). البته باید به این نکته اشاره کرد که به علت عدم پاسخگویی به تمامی پرسشنامه‌ها، اطلاعات به دست آمده از قانون بودجه موثو تر می‌باشد.

۵- کاربرد راههای مختلف تأمین مالی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران
 در بخش سوم مقاله، چارچوب کلی منابع مالی مختلف برای مؤسسات آموزش عالی را بررسی و اولویت هریک را نسبت به دیگری تحقیق خواهیم کرد. در این قسمت نیز همان تقسیم‌بندی کلی بخش سوم رعایت خواهد شد؛ به این ترتیب که ابتدا تأمین منابع مالی از دانشجویان، و سپس تأمین مالی مؤسسات را شرح می‌دهیم.

۵-۱- تأمین منابع از دانشجویان

در مباحث مربوط به شهریه گفته شد که اگر شهریه‌ها خیلی بالا باشند، دانشجویان بیشتری نیازمند دریافت کمک مالی خواهند شد و منافع خالص شهریه کمتر خواهد بود و اگر هم در حد خیلی پایین تعیین شوند، درآمد کافی ایجاد نخواهد شد. از طرف دیگر، گفته شد که اگر هدف از دریافت شهریه تدارک منابع مالی برای توسعه ظرفیتهای باشد، منطقاً باید مبلغ شهریه بر اساس هزینه سرانه تعیین شود.

همچنین، تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که معمولاً "در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی، شهریه بین ۱۵ الی ۲۵ درصد هزینه‌های آموزشی یا هزینه‌های جاری است. برای بررسی این موضوع که در صورت تعیین شهریه بر اساس هزینه، چه مقدار منابع مالی قابل جمع‌آوری است، شهریه مبتنی بر هزینه سرانه متوسط گروههای آموزشی در یک دانشگاه را به‌طور نمونه محاسبه کرده و آن را با متوسط هزینه ناخالص و متوسط درآمد ناخالص یک خانوار در مناطق شهری مقایسه کرده‌ایم. از این مقایسه، درصدی از خانوارها که واجد شرایط دریافت کمک دانشجویی هستند، مشخص می‌شود و لذا درآمد خالص شهریه قابل برآورد خواهد بود. البته برای برآورد درآمد

شهریه، ابتدا لازم است که کثرت تقاضا نسبت به شهریه مشخص باشد، لیکن در اینجا فرض می‌شود که تقاضا برای آموزش عالی بی‌کثرت باشد؛ یعنی از تعداد متقاضیان کاسته نشود. نکته دیگر اینکه به علت میسر نبودن محاسبه هزینه اقتصادی، صرفاً به هزینه‌های حسابداری اکتفا می‌کنیم.

اگر شهریه را بر اساس درصدی از هزینه‌های جاری و یا آموزشی تعیین کنیم، برآوردها نشان می‌دهند که با افزایش شهریه (درصدی از هزینه سرانه آموزشی) درصد خانوارهایی که توان پرداخت آن را دارند، کاهش بیشتری می‌یابد. به این ترتیب که افزایش ۱۰٪ شهریه موجب افزایش هزینه‌های کمک دانشجویی به میزان ۱۶٪ خواهد شد. همین بررسی در مورد شهریه‌ای که بر اساس درصدی از متوسط هزینه سرانه جاری است، نشان می‌دهد که ۱۰٪ افزایش شهریه، منجر به ۱۲/۳ درصد افزایش هزینه‌های حمایت دانشجویی می‌شود.^۹

باتوجه به تعداد دانشجویان دوره‌های کاردانی و کارشناسی در سال تحصیلی ۱۳۷۳، درآمد شهریه برای دوگزینه ۱۵٪ هزینه سرانه آموزشی و ۱۵٪ هزینه سرانه جاری برآورد شده و در جدول شماره ۸ آمده است. همچنین، هزینه‌های حمایت دانشجویان با فرض اینکه خانوارهایی که شهریه بیش از ۱۰٪ هزینه آنهاست، مشمول حمایت شوند، برآورد شده و درآمد خالص شهریه به دست آمده است. با این فرض که حمایت مالی دانشجویان (از منابع شهریه) منحصر به هزینه شهریه شود، و با توجه به اینکه طبق مباحث گذشته، بازگشت منابع صرف شده برای وام دانشجویی در کوتاه مدت میسر نیست، درآمد خالص شهریه، عبارت از درآمد کل، منهای هزینه حمایت مالی دانشجویان خواهد بود. ستون آخر جدول، نرخ بازیافت هزینه (حاصل ضرب نسبت درآمد خالص به کل درآمد شهریه و درصدی از هزینه‌ها که به عنوان شهریه محسوب می‌شود) را در حالتهای مختلف نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، بیشترین نرخ بازیافت هزینه در صورتی میسر است که ۱۵٪ هزینه سرانه آموزشی از دانشجویان دریافت شود. بدیهی است که این نرخ بازیافت هزینه با فرض ثابت بودن تقاضاست و در صورتی که به دلایل مختلف، از جمله کم بودن جاذبه‌های بازار کار برای بعضی رشته‌ها، با اعمال شهریه نیازی به حمایت مالی بیشتری برای حفظ تقاضا باشد، نرخ بازیافت کاهش خواهد یافت.

اما از آنجا که اعمال سیاست دریافت شهریه، مستلزم هزینه‌های جانبی دیگری برای

حمایت مالی دانشجویان به نحو صحیح و کارا می‌باشد و در ضمن، همان‌طور که گفته شد، رسالت آموزش عالی و وظایف متعدد آن ایجاب می‌کند که فعالیتهای آموزشی و پژوهشی، بویژه رشته‌های علوم پایه و تحقیقات بنیادی، از برنامه‌ریزی منسجم و حمایت مستمر دولت برخوردار باشند، لازم است که بخش مهم فعالیتهای دانشگاهها (که طبق تجارب جهانی ۷۰ الی ۸۰ درصد بود) مشمول دریافت یارانه شوند. بنابراین، به منظور بهره‌مندی از مزایای اعطای یارانه به‌طور غیرمستقیم، می‌توان این یارانه را از طریق انتشار اسناد هزینه یا کوپن آموزشی - که مزایا و مشخصات آن در بخشهای قبلی شرح داده شد - اعطا کرد. به این ترتیب، همان‌طور که تجارب کشورهای مختلف نیز نشان داد، بازیافت هزینه‌ها از دانشجویان باید در درجه اول، به فعالیتهای خدماتی و، در درجه دوم، به فعالیتهای کمک آموزشی منحصر شود. در این مورد می‌توان از طرحهای پیش پرداخت شهریه تحت عنوان طرح مشارکت در (خرید سهام) خدمات کمک آموزشی استفاده کرد. روش دیگر برای بازیافت هزینه‌ها از دانشجویان، مالیات فارغ‌التحصیلی بود. در این روش، بر درآمد کسانی که از تحصیلات عالی بهره‌مند شده‌اند - اعم از اینکه فارغ‌التحصیل شده باشند یا خیر - چند درصد مالیات اضافی اعمال می‌شود. نرخ مالیات مذکور در کشورهای مجری این طرح بیش از ۴ درصد نیست. اجرای این سیاست، مستلزم ایجاد تغییراتی در سیاست اخذ تعهد خدمت در برابر آموزش رایگان و ایجاد سازوکار لازم برای پوشش مالیاتی تمام افراد تحصیل کرده در دوره‌های عالی است.

از آنجاکه تدارک منابع غیردولتی برای وجوه مورد نیاز وام دانشجویی میسر نیست و حتی در کشورهایایی که در این زمینه سابقه طولانی دارند، هنوز هم سهم دولت چشمگیر است، و از طرف دیگر اجرای برنامه‌های وام دانشجویی، بویژه در کشورهای در حال توسعه، با مشکلات اجرایی همراه است و مدت بازگشت منابع و سرمایه صرف شده در طرحهای وام دانشجویی، طولانی و با عدم اطمینان همراه خواهد بود، این روش بازیافت هزینه‌ها در اولویت قرار نمی‌گیرد؛ بویژه اینکه بررسی نظام کنونی وام دانشجویی در ایران نشان می‌دهد که دوره بازپرداخت و اقساط ماهیانه به نحوی است که نسبت به سایر کشورهای بازیافت هزینه‌ها را در زمان کوتاهتری میسر می‌کند، لکن موارد زیاد سوخت و امهابه دلایل مختلف، از جمله صحیح نبودن نحوه جمع‌آوری اقساط وام، باعث شده است، که بازگشت سرمایه ضعیف باشد.^{۱۰} در صورت نیاز به تداوم نظام وام دانشجویی،

در شیوه جمع آوری اقساط وام باید تجدیدنظر شود، و طبق مباحث گذشته جمع آوری اقساط از طریق نظام تأمین اجتماعی و یا صندوق بازنشستگی ترجیح دارد. روش دیگر برای حمایت مالی دانشجویان گسترش کارهای دانشجویی است. همان طور که در بخش سوم گفته شد، گسترش کارهای دانشجویی، مستلزم اعطای یارانه دولتی است و طبق تجارب جهانی، دولت ۷۰ درصد هزینه آن را تأمین می کند. از آنجاکه برنامه ریزی صحیح در این مورد، علاوه بر منافع مالی، منافع دیگری از نظراتبایط دانشگاهها با بخشهای تولیدی - خدماتی در بر دارد، ضرورت مطالعات بیشتر و برنامه ریزی دقیق و جامع در این زمینه احساس می شود. در این برنامه ریزیها، توسعه کارهای دانشجویی به خارج از بخش آموزش عالی باید محور قرار گیرد.

۵-۲- تأمین مالی مؤسسات

همان طور که گفته شد، پرداختهای انتقالی دولت به مؤسسات به دو طریق ممکن است انجام پذیرد: یکی از طریق تخصیص بودجه به آنها و دیگری از طریق معافیت مالیاتی. روند تکاملی روشهای تخصیص بودجه، به سمت روشهایی بوده است که رقابت بیشتری را ایجاد کند. تخصیص اعتبارات به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در ایران در حال حاضر بیشتر شبیه روشهای افزایشی است که در آن وضعیت بودجه دولت ملاک تعیین کننده برای درصد افزایش اعتبارات است. اخیراً اقداماتی در جهت نزدیک ساختن آن به ملاک هزینه سرانه انجام شده است، لکن به علت فاصله بسیار بین اعتبارات برآورد شده در این روش و روند گذشته، مجدداً اعمال تعدیلاتی اجتناب ناپذیر بوده است.

از طرف دیگر، پرداختهای انتقالی سازمانهای دولتی به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، بسیار محدود است و در موارد نادر به صورت غیر رسمی از سوی صاحب منصبان دستگاههای اجرایی و یانهادهای مختلف انجام پذیرفته است. به این ترتیب، لزوم تجدیدنظر در دو بعد احساس می شود: اول، نظام تخصیص بودجه باید به ملاکهایی مجهز شود که کارآیی را در دانشگاهها تضمین کند. دوم، راهکارهایی برای انتقال منابع از سازمانهای دولتی دیگر به آموزش عالی پیش بینی شود. حساب پایاپای صنایع، یکی از روشهایی است که می تواند به تأمین تجهیزات دانشگاهها کمک کند.

از طریق این حساب، صنایع مختلف، بدهی مالیاتی خود به دولت را به صورت تأمین تجهیزات دانشگاهها می‌پردازند.

در مورد معافیت‌های مالیاتی، باید گفت که اگرچه برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، معافیت‌های موضوعی وجود دارد، لکن با توجه به مفهوم وسیع‌تر مالیات، ملاحظه می‌شود که درآمدهای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از مالیات معاف نیست. برای برخورداری دانشگاهها از معافیت مالیاتی، در درجه اول باید در قانون؛ و خوب تمرکز درآمدهای اختصاصی در خزانه تجدید نظر شود؛ بویژه اینکه تأثیر تسهیلات مشابه آن بر درآمدهای اختصاصی دانشگاهها چشمگیر بوده است.^{۱۱}

همچنین، معافیت‌های مالیاتی برای جلب کمک‌های خیریه بسیار مؤثر است. در حال حاضر در قوانین مالیاتی ایران مشوق‌هایی در این مورد وجود دارند که دانشگاهها با شناسایی و شناساندن آنها به افراد خیر حقیقی و حقوقی می‌توانند از مزایای آن به نفع خود بهره‌برند.^{۱۲}

برای جلب پرداخت‌های انتقالی بخش خصوصی که معمولاً به شکل هدایا و اعانات هستند، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید با شناسایی منابع بالقوه، اطلاع‌رسانی بموقع و تبلیغات و قدرشناسی طی برنامه‌های خاص، اقدامات لازم را به عمل آورند. در ایران بویژه از مزایای سنت حسنه و وقف می‌توان استفاده کرد، علاوه بر اینکه با توجه به نقش آموزش عالی در جذب فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه و کمک به بالا رفتن سطح فرهنگ جامعه و کاهش منکرات و اعمال خلاف قانون، اختصاص بخشی از وجوه شرعی به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی الزامی است و در واقع یکی از مصارف صحیح این وجوه می‌تواند تأمین هزینه‌های دانشجویی باشد.

تقویت کانونهای فارغ‌التحصیلان بویژه بسیار مهم است. این کانونها می‌توانند علاوه بر جلب کمک‌های مادی و معنوی فارغ‌التحصیلان، به ارتباط بیشتر دانشگاه با بخشهای دیگر اقتصادی - اجتماعی کمک کرده و ارزیابی کارآیی بیرونی دانشگاهها را تسهیل بخشند.

در مورد پرداخت‌های انتقالی بین‌المللی، بررسی کل قطعنامه‌های پیشنهادی ایران به کنفرانس عمومی یونسکو نشان می‌دهد که سهم دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی بسیار کم است (گزارش بیست و ...، ۱۳۷۴). این مسأله نشان دهنده ارتباط ضعیف دانشگاهها و

مؤسسات پژوهشی با کمیسیون ملی یونسکو در ایران است. همچنین، اکثر قطعنامه‌های پیشنهادی برای برگزاری دوره‌ها، کارگاه‌ها، سمینارها و کنفرانس‌هاست و سهم طرح‌های تحقیقاتی و طرح‌های تجهیز امکانات ناچیز است. به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها با تلاش بیشتر و تقویت توان تحقیقاتی خود و تنظیم طرح‌های پیشنهادی مناسب بتوانند از این امکانات بین‌المللی استفاده کنند.^{۱۳}

بخش دیگری از منابع تأمین مالی مؤسسات را درآمدهای جاری، شامل شهریه، درآمد خوابگاه و رستوران، فروش نشریات، قراردادهای تربیت نیرو و قراردادهای تحقیقاتی و درآمد فعالیتهای تجاری تشکیل می‌داد. در مورد شهریه مباحثی مطرح شد. سهم درآمد خوابگاه‌ها در کل درآمد دانشگاه‌ها در حال حاضر بسیار کم است، چون دانشجویان برای بهره‌گیری از امکانات خوابگاه از یک نوع وام استفاده می‌کنند. همچنین، درآمد حاصل از رستوران و نشریات نیز چون مشمول یارانه هستند، سهم ناچیزی دارند. آمار و اطلاعات موجود از درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها (جدول شماره ۶) نیز نشان می‌دهد که درآمد حاصل از خدمات دانشجویی و فعالیتهای فوق برنامه از ثبات نسبی برخوردار نبوده است؛ اما درآمد خدمات بهداشتی و درمانی سهم خوبی داشته است.

از آنجا که اختصاص ۱۰۰ درصد درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها به آنها در سالهای اخیر تأثیر زیادی بر افزایش این درآمدها داشته است، می‌توان گفت که توان و ظرفیت دانشگاه‌ها برای کسب درآمدهای مذکور نسبتاً خوب است؛ اما توسعه صحیح و برنامه‌ریزی شده این فعالیتهای تأمین منابع مالی از آن، مستلزم ارتباط مداوم با بخشهای دیگر است؛ زیرا از این راه می‌توانند از نیازهای آموزشی بخشهای مختلف مطلع و با برگزاری دوره‌های آموزشی کسب درآمد کنند. بخش دیگر درآمدهای جاری که به فعالیتهای جاری نزدیک است، شامل فروش خدمات ورزشی، هنری، تفریحی و مانند آن است. افزایش درآمد از این محل، مستلزم سرمایه‌گذاری اولیه و بهبود فضاهای ورزشی، هنری و تفریحی دانشگاه‌هاست. برای تأمین منابع مورد نیاز گسترش این فعالیتهای، می‌توان از وام‌های کوتاه مدت و بلندمدت استفاده و وام را از محل عایدات طرح‌ها بازپرداخت کرد. بخش دیگری از درآمد جاری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، درآمد قراردادهای آموزشی و تحقیقاتی است. نکته اصلی در کسب این‌گونه درآمدها، توان و ظرفیت دانشگاه‌ها برای جلب همکاریهای آموزشی و پژوهشی است.

برای تسهیل ارتباط دانشگاه‌ها با بخش‌های مختلف و توسعه این نوع همکاری‌ها، اقداماتی صورت گرفته که شامل تأسیس دفاتر ارتباط صنعت با دانشگاه و حمایت‌های قانونی، مانند بند تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۹ و سال‌های پس از آن است؛ لکن روند مصوبات فوق نشان می‌دهد که بتدریج سهم آموزش عالی از یک منبع ثابت (۱۵٪ بودجه تحقیقاتی) یا یک درصد بودجه عمرانی دستگاه‌ها) کاسته شده است؛^{۱۴} اما به یقین دانشگاه‌ها با تقویت امکانات پژوهشی خود و توجه به نیاز بخش‌های تولیدی - تجاری می‌توانند در این راه گام مؤثر بردارند. یک جنبه از تقویت امکانات پژوهشی دانشگاه‌ها، تقویت حس مسؤلیت‌پذیری (Accountability) در آن‌ها در هزینه‌هاست و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه همراه با اعطای اعتبارات تحقیقاتی کافی، نحوه تخصیص اعتبارات مذکور از طرف دولت به شکل قراردادهای تحقیقاتی باشد. در حال حاضر، سهم دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از بودجه تحقیقاتی جاری، ۱۷٪ و از بودجه تحقیقاتی کل، ۸/۸٪ است و هنوز هم حمایت مالی بیشتر دولت را می‌طلبد. در عین حال، گزارش همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با دستگاه‌های اجرایی در سال ۱۳۷۳ نشان می‌دهد که از کل سرمایه‌گذاری دستگاه‌های اجرایی برای طرح‌های تحقیقاتی در این سال، ۳۸/۶ درصد آن را دانشگاه‌ها و ۶۱/۴ درصد آن را مراکز تحقیقاتی جذب کرده‌اند. از این گزارش، این واقعیت نیز برمی‌آید که حجم بودجه تحقیقاتی دانشگاه‌ها و موقعیت آنها از نظر مناطق محروم و پیشرفته، ارتباطی با میزان همکاری‌های آنها نداشته است (گزارش همکاری، ۱۳۷۴). این نتایج، ضرورت بررسی جامع در این مورد و شناسایی نقاط قوت و ضعف دانشگاه‌ها را می‌طلبد.

یکی دیگر از روش‌های تأمین منابع مالی که در گروه روش‌های تأمین مالی مؤسسات قرار گرفت، مالیات بر لیست حقوق بود. گفته شد که در سطح دنیا انواع مختلفی از مالیات‌های مذکور و مالیات‌های خاص وجود دارد. در ایران اعمال مالیات لیست حقوق با توجه به بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و تمرکز درصد زیادی از فعالیت‌ها در بخش غیرمتشکل اقتصادی، بدون تبعات جانبی نیست و برای بهره‌گیری از این روش باید سیاست‌های جبرانی که تأثیر سوء آن بر اشتغال را به حداقل برساند، اتخاذ شود. لذا با توجه به شرایط فوق، اعمال عوارض و مالیات‌های خاص مانند آنچه در مورد کشورهای اکوادور و هنگ‌کنگ گفته شد، مطلوب‌تر است. این نوع تأمین مالی در ایران صرفاً برای اولین

بار در سال ۱۳۷۱ برای دانشگاه پیام نور محقق شد که طبق قانون بودجه آن سال رقم وصولی مازاد بر ۵ میلیارد ریال حاصل از یکصد ریال عوارض پسته صادراتی، حداکثر تا پنج میلیارد ریال در اختیار دانشگاه مذکور قرار گرفت.

روش دیگر تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی، درآمد حاصل از داراییهای وقفی بود. مصارف یانوع بهره‌برداری از داراییهای وقفی واهدایی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که کاربری عمده این داراییها اداری و آموزشی است. اگر فرض شود که درآمد عمده این نوع داراییها، از محل داراییهایی است که کاربری مسکونی و تجاری دارند، سهم ناچیز این نوع کاربری (۹ درصد در سال ۱۳۷۴) نشان دهنده ضعف قدرت کسب درآمد از داراییهای وقفی است. البته اطلاعات موقتی از هدایای نقدی دانشگاهها موجود نیست؛ اما به نظر می‌رسد که بخش اعظم اموال وقفی دانشگاهها، اموال مقیدی هستند که مصارف آنها از پیش تعیین شده است. نکته دیگر اینکه احتمالاً کمبود فضاهای آموزشی باعث شده است که مصارف عمده داراییهای مذکور به شکل آموزشی - اداری باشد.

سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی، روش دیگر تأمین منابع مالی است و همان‌طوری که قبلاً گفته شد، روش مستقلی نیست؛ یعنی ابتدا باید درآمدهای مازاد وجود داشته باشد تا بتوان بابه کار انداختن آنها در طرحهای سرمایه‌گذاری از بازده آن بهره برد. اما امکان استفاده از ابزارهای اعتباری برای تدارک منابع مالی مورد نیاز طرحهای عمرانی و خرید تجهیزات میسر است. استفاده از دانشگاهها از منابع بانکی برای رفع مشکلات خوابگاههای دانشجویی از سال ۱۳۶۶ در قانون بودجه هر سال پیش‌بینی شده است. بازپرداخت این اعتبارات را دولت تضمین می‌کند و مانده مطالبات آن در بودجه سال بعد منظور می‌شود. سهم هر دانشگاه از تسهیلات مذکور در کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه مورد نظر و سازمان برنامه و بودجه تعیین می‌شود و اعتبارات مورد نیاز برای بازپرداخت وامهای اعطایی به صورت کلی (Global) در اختیار آن وزارتخانه قرار می‌گیرد. لذا رقم بازپرداخت در ارقام هزینه دانشگاه جداگانه وارد نمی‌شود. به این ترتیب، این استقراض، به نوعی، شبیه استقراض عمومی دولت است که در سطح جهان برای تأمین منابع مورد نیاز دانشگاههای دولتی انجام می‌شود.

خلاصه و نتیجه‌گیری

باتوجه به مباحث مطرح شده در محورهای مختلف این تحقیق، خط‌مشی‌های کلی تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی ایران را می‌توان به صورت زیر جمع‌بندی کرد.

۱- تنوع بخشیدن به منابع مالی آموزش عالی، به‌هیچ‌وجه به معنای کاهش حمایت مالی دولت از این بخش نیست و در اکثر نظام‌های آموزش عالی جهان، بخش اعظم فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی از حمایت مستمر دولت برخوردار است.

۲- برای بازیافت بخشی از هزینه‌ها از دانشجویان، فعالیت‌های خدماتی و کمک آموزشی در اولویت قرار دارند و فعالیت‌های آموزشی اصلی، مانند توسعه رشته‌های علوم پایه و تربیت نیروهای متخصص برای مشاغل کلیدی و پژوهش‌های بنیادی باید از حمایت مستقیم دولت برخوردار باشند.

۳- باتوجه به تجارب جهانی، اعطای بخشی از کمک‌های دولتی از طریق دانشجویان به مؤسسات آموزش عالی و ترجیحاً "روش انتشار اسناد هزینه یا کوپن آموزشی، کارآیی بیشتری دارد.

۴- بازیافت هزینه‌های آموزشی در رشته‌هایی که تقاضای کم‌کاهش دارند، می‌تواند منابعی را برای دانشگاه‌ها تدارک ببیند و طبق شواهد آماری موجود از وضعیت درآمد و هزینه خانوارها، بازیافت ۱۵٪ هزینه‌های آموزشی بیشترین نرخ بازیافت هزینه‌ها (کمترین هزینه کمک دانشجویی) را به همراه خواهد داشت.

۵- از آنجاکه باتوجه به تجارب کشورهای مختلف، اعطای وام دانشجویی ابزار مناسبی برای کاهش بار هزینه‌های دولت در آموزش عالی نیست، چنانچه هدف کاهش هزینه‌های دولت در اولویت باشد، بازیافت هزینه‌ها از این طریق در اولویت قرار نمی‌گیرد. لذا وام‌های دانشجویی صرفاً "از جمله ابزارهای حمایت مالی از دانشجویان خواهند بود.

۶- به منظور تأمین منابع مورد نیاز برای حمایت دانشجویان می‌توان از یک نوع عوارض مصرفی از کارفرمایان تحت عنوان مالیات بر لیست حقوق افراد تحصیل‌کرده کمک گرفت مشروط بر اینکه با اتخاذ سیاست‌های جبرانی و تکمیلی، اثر سوء آن بر اشتغال تحصیل‌کردگان به حداقل برسد.

۷- باتوجه به تجارب جهانی در مورد اجرای طرحهای وام دانشجویی، جمع آوری اقساط وام از طریق نظام تأمین اجتماعی و یاصندوق بازنشستگی بر شیوه فعلی ترجیح دارد.

۸- تغییر خط مشی اخذ تعهد خدمت به خط مشی دریافت مالیات فارغ التحصیلی از دانشجویان بهره مند از تحصیل رایگان، منابع درآمد مستمری را برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در بلندمدت فراهم می کند.

۹- تقویت کارهای دانشجویی و گسترش آن به خارج از بخش آموزش عالی، علاوه بر ایجاد درآمد برای دانشجویان، به برقراری ارتباط با بخشهای اقتصادی - اجتماعی کمک می کند. در این باره، سیاستگذاری قاطع در مورد اختیارات سازمانها و مؤسسات دولتی در برگزاری دوره های آموزش عالی، ضروری است.

۱۰- به منظور تأمین بخشی از منابع مورد نیاز برای گسترش ظرفیتهای می توان از طرحهای پیش پرداخت شهریه (با شرایط و مشخصاتی که در گزارش تحقیق آمده است) و انتشار اوراق قرضه بانرخ متغیر تقاضا کمک گرفت.

۱۱- تجدید نظر اساسی در نحوه تخصیص اعتبارات، بویژه اعتبارات پژوهشی و تأمین منابع دولتی مورد نیاز هر رشته از وزارت یا سازمان مرتبط با آن (عدم وابستگی مطلق به بودجه عمومی)، به کارآیی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کمک شایانی خواهد کرد.

۱۲- تخصیص ۱۰۰ درصد درآمدهای اختصاصی دانشگاهها و لغو لزوم واریز آن به خزانه از اقداماتی است که در اکثر کشورها برای تقویت منابع درآمد دانشگاهها از فعالیتهای جانبی صورت گرفته است .

۱۳- برای جلب هدایای مردمی و داراییهای وقفی، تأسیس نهادهای خاص (ترجیحاً " کمیته ای زیر نظر هیأت امنا) و جمع آوری اطلاعات منسجم از وقف کنندگان، مطلع ساختن آنها از تسهیلات مالیاتی موجود در قانون مالیات بر ارث، برگزاری مراسم خاص و اعطای استقلال نسبی به دانشگاهها در مصرف هدایای نقدی و غیر نقدی، بسیار مؤثر و مفید خواهد بود.

۱۴- باتوجه به نقش مهم آموزش عالی در جذب قشر عظیم فارغ التحصیلان مقطع متوسطه و جلوگیری از انحطاط اخلاقی و انحرافات اجتماعی و نیز کمک به ارتقای فرهنگی و درک سیاسی اجتماعی آنان، اختصاص بخشی از وجوه شرعی به

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، از مصارف صحیح وجوه مذکور است.

۱۵- به منظور تقویت دانشگاهها در جلب منابع مالی از بخشهای تولیدی - تجاری اقداماتی، از جمله افزایش بودجه تحقیقاتی، برقراری ارتباط مستمر و فعال در سطوح بالای مدیریت با بخشهای تجاری، صنعتی، استفاده از الگوهای موفق ارتباط دانشگاه با بخشهای تولیدی و تجاری می‌تواند راهگشا باشد.

۱۶- ایجاد حساب پایاپای صنایع برای تأمین تجهیزات مورد نیاز دانشگاهها می‌تواند راه حل مفیدی باشد.

۱۷- تدارک منابع درآمد مستمر برای بخش آموزش عالی دولتی از طریق اعمال مالیات یا عوارض خاص، مانند مالیات بر ارزش کل طرحهای ساختمانی بزرگ و یا عوارض تجهیزات وارداتی، از روشهای مؤثر تدارک منابع مالی، بویژه در کوتاه مدت است.

۱۸- بهره‌گیری مؤثر از تمامی روشهای تأمین مالی دانشگاهها مستلزم تحکیم جایگاه هیأت‌امنا و باز یافتن مفهوم و وظیفه اصلی آن است. به این منظور، تشکیل هیأت امنای مستقل برای هر دانشگاه یا مؤسسه الزامی است.

جدول شماره ۱: تعداد شرکت کنندگان و پذیرفته شدگان در آزمون سراسری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور (۱)

سال	تعداد شرکت کنندگان در آزمون سراسری (کاردانی و کارشناسی و کارشناسی ارشد پیوسته) ^(۱)	تعداد پذیرفته شدگان ^(۲) مؤازمون سراسری	نسبت تعداد پذیرفته شدگان به شرکت کنندگان	تفاوت بین تعداد شرکت کنندگان و پذیرفته شدگان
۱۳۶۲	-	۳۳۲۲۱	-	-
۱۳۶۳	-	۳۶۵۷۰	-	-
۱۳۶۴	۴۴۲۵۵۵	۴۴۴۷۵	٪۱۰	۳۹۸۰۸۰
۱۳۶۵	۵۸۵۹۸۶	۶۵۱۶۳	٪۱۱/۱	۵۲۰۸۲۳
۱۳۶۶	۵۵۴۵۰۳	۶۴۰۲۴	٪۱۱/۵	۴۹۰۴۷۹
۱۳۶۷	۶۰۴۵۲۸	۶۵۱۱۹	٪۱۰/۸	۵۳۹۴۰۹
۱۳۶۸	۷۵۱۸۵۱	۵۴۵۵۸	٪۷/۳	۶۹۷۲۹۳
۱۳۶۹	۷۹۰۹۹۰	۵۶۵۵۳	٪۷/۱	۷۳۴۴۳۷
۱۳۷۰	۸۳۱۳۰۵	۸۴۰۹۹	٪۱۰/۱	۷۴۷۲۰۶
۱۳۷۱	۹۱۲۲۵۱	۱۲۰۶۰۲	٪۱۳/۲	۷۹۱۶۴۹
۱۳۷۲	۱۰۱۸۱۷۵	۱۳۱۱۲۷	٪۱۲/۹	۸۸۷۰۴۸
۱۳۷۳	۱۱۱۲۵۸۷	۱۲۳۷۳۸	٪۱۱/۱	۹۸۸۸۴۹
۱۳۷۴	۱۲۷۷۱۸۲	۱۲۰۶۶۳ ^(۳)	٪۹/۴	۱۱۵۶۵۱۹
۱۳۷۵	۱۲۵۹۱۵۴	۱۳۰۶۰۹	٪۱۰/۴ ^(۴)	۱۱۲۸۵۴۵

منبع: آمار سالهای ۷۲-۶۲؛ از دفتر خدمات ماشینی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اخذ شده است.

- (۱) به استثنای شرکت کنندگان در آزمون تحصیلات تکمیلی دانشگاهها.
- (۲) تعداد پذیرفته شدگان با تعداد ثبت نام شدگان تفاوت دارد؛ زیرا برخی از پذیرفته شدگان از ثبت نام در دانشگاه منصرف می‌شوند.
- (۳) کاهش تعداد پذیرفته شدگان در سال ۱۳۷۴ به دلیل کاهش پذیرش در رشته‌های تربیت معلم بوده است.
- (۴) باتوجه به اینکه ازکل تعداد پذیرفته شدگان این سال تعداد ۶۸۶۴ نفر درمؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی پذیرفته شده‌اند، این نسبت درواقع ۹/۸٪ است.

جدول شماره ۲: شاخصهای مالی آموزش عالی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۲)

ردیف	نسبت کل مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات به (درومده)				کل مخارج بخش آموزش عالی و تحقیقات	کل مخارج آموزش کشور (۱)	کل مخارج بخش اموال خاصه	مخارج عمومی دولت	تولید ناخالص ملی به قیمت بازار (GNP) (میلیارد ریال)	سال
	(الف) GNP	(ب) مخارج عمومی	(ج) مخارج بخش	(د) کل مخارج						
۱۳۶۲	۰/۴۳	۱/۴	۲/۴	۱۱/۲	۵۵/۳	۲۸۵/۲	۱۲۵۱/۶	۳۸۶۲/۹	۱۲۹۳۳/۶	۱۳۶۲
۱۳۶۳	۰/۵	۲/۰	۵/۳	۱۳/۷	۷۱/۲	۵۱۸/۰	۱۳۳۶/۲	۳۵۳۱/۵	۱۲۳۳۱/۳	۱۳۶۳
۱۳۶۴	۰/۵	۲/۱	۵/۴	۱۳/۹	۷۵/۸	۵۴۴/۳	۱۳۸۸/۵	۳۰۱۵/۶	۱۵۱۳۴/۰	۱۳۶۴
۱۳۶۵	۰/۵	۲/۲	۵/۱	۱۲/۷	۷۸/۳	۶۱۲/۲	۱۵۱۸/۹	۳۶۶۵/۷	۱۵۵۶۵/۳	۱۳۶۵
۱۳۶۶	۰/۲۳	۲/۱	۳/۱	۱۲/۵	۸۴/۵	۶۶۷/۱	۱۷۱۴/۶	۳۹۸۳/۵	۱۶۲۴۴/۷	۱۳۶۶
۱۳۶۷	۰/۴۹	۲/۳	۵/۲	۱۳/۱	۱۰۸/۵	۸۱۴/۱	۲۰۵۰/۸	۴۶۶۵/۳	۲۱۶۳۷/۲	۱۳۶۷
۱۳۶۸	۰/۶	۳/۱	۵/۸	۱۴/۲	۱۳۷/۸	۹۵۵/۵	۲۳۶۰/۶	۴۷۶۶/۷	۲۶۸۱۷/۱	۱۳۶۸
۱۳۶۹	۰/۶۴	۳/۶	۶/۶	۱۷/۹	۲۲۲/۴	۱۳۶/۹	۳۲۸۷/۲	۶۶۷۸/۴	۳۴۳۸۱/۲	۱۳۶۹
۱۳۷۰	۰/۶۹	۳/۷	۸/۶	۲۰/۶	۳۴۹/۳	۱۸۰۳/۷	۴۴۵۵/۶	۹۰۰۸/۱	۵۰۵۶۹/۵	۱۳۷۰
۱۳۷۱	۰/۹۵	۳/۸	۸/۰	۲۰/۷	۵۰۴/۸	۲۷۶۹/۲	۶۲۷۷	۱۲۰۴۱	۶۶۲۹۵/۹	۱۳۷۱
۱۳۷۲	۱/۱	۴/۷	۱۰/۹	۲۵	۱۴۰۱/۵	۵۷۱۲/۶	۱۰۸۵۷/۳	۲۶۶۵۲/۱	۹۱۱۲۴/۶	۱۳۷۲
۱۳۷۳	-	۳/۶	۹/۹	۲۷	۱۶۵۹/۲	۶۱۷۱	۱۳۸۴۸/۱	۲۹۷۲۱/۲	۳۰۱۷۸۰/۳	۱۳۷۳
۱۳۷۴	-	۲/۱	۱۱/۲	۲۸/۹	۲۵۲۲/۵	۸۸۴۴	۱۶۷۶۴/۲	۴۶۴۱۰	-	۱۳۷۴
۱۳۷۵	-	۲/۱	۱۱/۲	۲۹/۹	۲۵۲۲/۵	۸۸۴۴	۲۲۴۸۹/۹	۶۱۱۲۴	-	۱۳۷۵

منبع: تولید ناخالص ملی سالهای ۱۳۶۲-۵۹ بر اساس کتاب حسابهای ملی ایران ۱۳۵۳-۶۶ و ۱۳۶۷-۶۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، و از قام سالهای ۱۳۷۲-۰۷ تا ۱۳۷۰ از نشریه بیاورد مقدماتی حسابهای ملی ایران در سال ۱۳۷۳ و نتایج تفصیلی حسابهای ملی ایران در سال ۱۳۷۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سایر ارقام از کتاب قانون بودجه کشور و سالنامه آماری کشور جمع آوری شده اند.

(۱) شامل اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی بخش آموزش و پرورش عمومی و بخش آموزش عالی و تحقیقات است.

(۲) بیاورد مقدماتی.

جدول شماره ۳: هزینه سرانه واقعی دربخش آموزش عالی و تحقیقات

سال	هزینه‌های جاری بخش آموزش عالی و تحقیقات (میلیارد ریال)	شاخص ضمنی هزینه‌های مصرفی دولت	هزینه‌های جاری واقعی بخش آموزش عالی و تحقیقات	تعداد دانشجویان دانشگاههای دولتی	هزینه سرانه واقعی در بخش آموزش عالی و تحقیقات (هزار ریال)
۱۳۶۲	۴۳/۵	۱۱۱/۵	۳۹	۱۲۰۸۷۴	۳۲۲/۶
۱۳۶۳	۵۴/۵	۱۲۰/۹	۴۵/۱	۱۴۵۱۷۰	۳۱۰/۷
۱۳۶۴	۵۸/۵	۱۲۸/۷	۴۵/۴	۱۵۰۷۰۳	۳۰۱/۲
۱۳۶۵	۵۸/۸	۱۵۷/۲	۳۷/۴	۱۶۷۱۴۳	۲۲۳/۸
۱۳۶۶	۶۵/۷	۱۹۳	۳۴	۲۰۳۸۸۴	۱۶۶/۸
۱۳۶۷	۸۱/۲	۲۲۹/۱	۳۵/۴	۲۴۹۲۸۰	۱۴۲
۱۳۶۸	۱۰۳/۷	۲۷۶/۹	۳۷/۴	۲۷۹۶۷۲	۱۳۳/۷
۱۳۶۹	۱۵۹/۹	۳۰۳/۳	۵۲/۷	۳۱۰۰۶۴	۱۷۰
۱۳۷۰	۲۴۰	۳۷۰/۱	۶۴/۸	۳۴۱۴۸۹	۱۸۹/۷
۱۳۷۱	۳۲۱/۶	۴۴۶/۳	۷۶/۵	۳۷۲۵۲۶	۲۰۵/۳
۱۳۷۲	۶۰۸/۶	۷۴۹/۶	۸۲/۶	۴۳۳۷۶۳	۱۹۰/۴
۱۳۷۳	۹۸۶/۸	۱۰۱۳/۵	۹۷/۴	۴۷۳۷۵۱	۲۰۵/۶

جدول شماره ۵: منابع درآمد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و سهم هریک در کل درآمد آنها طی سالهای ۷۴-۱۳۵۴

(ارقام به هزارریال)

اعتبارات تخصیص یافته							سال
جمع	درصد	ازمحل درآمد اختصاصی	ازمحل بودجه عمومی				
			درصد	عمرانی	درصد	جاری	
۲۰,۰۰۸۰,۷۹۶	۳	۶۰۷,۱۵۴	۲۶	۵,۲۰۴,۰۵۹	۷۱	۱۴,۲۶۹,۳۸۳	۱۳۵۴
۲۵,۶۹۷,۳۷۰	۲	۵۱۲,۰۲۰	۲۳	۶,۰۱۴,۵۳۰	۷۵	۱۹,۱۷۰,۸۲۰	۱۳۵۵
۵۲,۷۹۵,۷۴۴	۱	۵۸۹,۸۰۰	۳۱	۱۶,۴۵۵,۴۱۵	۶۸	۳۵,۷۵۰,۵۲۹	۱۳۵۶
۵۸,۰۰۳,۶۶۲	۱/۵	۷۵۹,۰۶۸	۲۸/۵	۱۶,۳۴۶,۱۵۸	۷۰	۴۰,۸۱۱,۹۳۶	۱۳۵۷
۵۳,۰۰۹,۳۱۱	۲	۱,۰۳۹,۰۰۰	۲۲	۱۱,۵۴۳,۰۶۱	۷۶	۴۰,۴۲۷,۲۵۰	۱۳۵۸
۵۵,۷۱۶,۱۶۲	۲	۹۳۳,۰۰۰	۱۶	۹,۱۳۹,۵۷۹	۸۲	۴۵,۶۴۳,۵۸۳	۱۳۵۹
۵۰,۵۳۵,۳۷۷	۲	۱,۲۷۹,۷۴۷	۱۸	۸,۹۸۲,۲۴۵	۸۰	۴۰,۲۷۳,۳۸۵	۱۳۶۰
۵۳,۹۴۳,۵۳۹	۳	۱,۵۵۸,۰۰۰	۱۳	۷,۲۴۹,۵۵۴	۸۴	۴۵,۱۳۵,۹۸۵	۱۳۶۱
۶۸,۷۲۹,۷۲۸	۲	۱,۴۸۳,۸۰۵	۱۹	۱۲,۹۸۱,۸۸۷	۷۹	۵۴,۲۶۴,۰۳۶	۱۳۶۲
۸۵,۶۹۴,۵۵۷	۳	۲,۴۵۲,۷۲۲	۲۱	۱۸,۲۶۶,۵۶۴	۷۶	۶۴,۹۷۵,۲۷۱	۱۳۶۳
۹۳,۸۴۹,۹۳۳	۳	۲,۹۵۶,۵۶۵	۲۲	۲۰,۶۳۸,۴۳۴	۷۵	۷۰,۲۵۴,۹۳۴	۱۳۶۴
۹۸,۶۹۲,۲۷۰	۴	۴,۰۱۲,۵۴۹	۲۳	۲۲,۵۱۷,۲۶۱	۷۳	۷۲,۱۶۲,۴۶۰	۱۳۶۵
۱۲۹,۹۴۸,۷۲۱	۶	۷,۴۴۳,۱۳۸	۱۶	۲۱,۳۳۷,۴۰۷	۷۸	۱۰۱,۱۶۷,۸۲۶	۱۳۶۶
۱۶۱,۱۸۴,۹۶۱	۸	۱۳,۲۰۸,۶۰۳	۱۷	۲۷,۴۲۷,۹۱۵	۷۵	۱۲۰,۵۴۸,۴۴۳	۱۳۶۷
۲۱۷,۳۷۸,۸۳۱	۹	۱۹,۷۱۱,۸۱۸	۱۶	۳۵,۴۴۴,۹۴۸	۷۵	۱۶۲,۲۲۲,۰۶۵	۱۳۶۸
۳۳۳,۷۰۰,۳۰۸	۱۰	۳۲,۸۳۴,۷۷۴	۱۷	۵۷,۷۱۸,۰۸۸	۷۳	۲۴۳,۱۴۷,۴۴۶	۱۳۶۹
۵۰۴,۰۷۸,۸۱۸	۱۳	۶۵,۶۳۵,۵۱۴	۱۸	۹۰,۷۴۵,۸۵۰	۶۹	۳۴۷,۶۹۷,۴۵۴	۱۳۷۰
۷۶۹,۶۴۲,۲۱۱	۱۳	۹۶,۹۸۳,۷۸۵	۱۸	۱۳۹,۹۱۸,۶۱۷	۶۹	۵۳۲,۷۳۹,۸۰۹	۱۳۷۱
۱,۱۹۸,۶۷۱,۹۲۰	۱۱	۱۴۸,۳۳۳,۸۷۹	۲۱	۲۵۵,۴۴۹,۸۰۹	۶۷	۸۰۴,۸۸۸,۲۳۲	۱۳۷۲
۲,۰۵۶,۰۱۵,۸۹۳	۵	۹۹,۶۸۹,۹۲۰	۱۵	۳۰۷,۹۵۷,۱۷۶	۸۰	۱,۶۴۸,۳۷۱,۷۹۷	۱۳۷۳
۳,۰۰۶,۳۴۵,۳۰۰	۴۵	۱,۳۵۷,۸۷۰,۰۰۰	۱۱	۳۲۷,۰۸۸,۰۰۰	۴۴	۱,۳۲۱,۳۸۷,۳۰۰	۱۳۷۴

جدول شماره ۶: ترکیب درآمدهای ایجاد شده توسط دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی طی سالهای ۷۴-۱۳۵۴

سال	خدمات آموزشی و فرهنگی (خدمات دانشجویی و فعالیتهای فوق برنامه) (۱)	خدمات بهداشتی و درمانی	فروش محصولات کشاورزی و صنعتی	فروش نشریات پلی کپی	کمکهای دریافتی خاص	برگزاری دوره‌های آموزشی
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
۱۳۵۴	۸	۵۱	-	۷	۲۱	-
۱۳۵۵	۴	۶۰	-	۷	۲۱	-
۱۳۵۶	۴	۵۰	-	۶	۲۸	-
۱۳۵۷	۶	۴۸	-	۶	۲۲	-
۱۳۵۸	-	۱۰۰	-	-	-	-
۱۳۵۹	۲	۳۵	-	۲۳	۰/۴	-
۱۳۶۰	-	۶۳	-	۱	۰/۰۸	-
۱۳۶۱	۰/۹	۴۸	-	۳/۸	۰/۰۰۲	-
۱۳۶۲	۲	۵۲	-	۸	-	-
۱۳۶۳	۱۲	۶۱	۱۲	۳	-	-
۱۳۶۴	۵	۷۲	۱۱	۴	-	-
۱۳۶۵	۷	۷۵	۱/۵	۴/۵	-	-
۱۳۶۶	۹	۷۶	۸	۲	-	-
۱۳۶۷	۴	۸۶	۷	۱	-	-
۱۳۶۸	۴	۸۵	۵	۱	-	۰/۳
۱۳۶۹	۱	۸۷	۲	۰/۳	-	۰/۳
۱۳۷۰	۱	۸۹	۰/۶	-	-	۰/۵
۱۳۷۱	۰/۲	۸۹	۰/۴	-	-	۰/۶
۱۳۷۲	۰/۴	۸۶	۰/۳	-	-	۲
۱۳۷۳	۱/۶	۷۴	۱/۱	۰/۳	-	۷/۱
۱۳۷۴	-	۸۴/۵	-	-	-	-

ادامه جدول شماره ۶:

درآمدهای متفرقه	دریافت هزینه‌های درسهای مردودی	خدمات مشاوره‌ای و کارشناسی	ثبت نام دانشجویان و فروش کتاب (۲)	دوره‌های شبانه
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
۱۳	-	-	-	-
۸	-	-	-	-
۱۲	-	-	-	-
۱۸	-	-	-	-
-	-	-	-	-
۳۹	-	-	-	-
۳۵	-	-	-	-
۴۷	-	-	-	-
۳۸	-	-	-	-
۱۲	-	-	-	-
۸	-	-	-	-
۱۲	-	-	-	-
۵	-	-	-	-
۲	-	-	-	-
۱	-	-	۳/۶	-
۰/۷	-	-	۸/۸	-
۰/۲	-	-	۶	۲/۵
-	-	-	۶	۲
-	-	-	۵	۶
۱/۷	۰/۳	۰/۶	۲/۸	۱۰/۵
۱۲/۲	-	-	۲/۳	۱

توضیحات جدول شماره ۶

۱- تا سال ۱۳۶۱، درآمدهای حاصل از خدمات آموزشی و فرهنگی، و از آن سال به بعد، درآمدهای حاصل از خدمات دانشجویی و فعالیتهای فوق برنامه، شامل درآمد حاصل از خوابگاهها، کلاسهای فوق برنامه و آزاد، استخرها، آزمایشگاهها، دندانپزشکی، خدمات بهداشتی و محاسباتی و چاپخانه‌هاست.

۲- از سال ۱۳۶۸ ارقام مربوط به درآمد حاصل از ثبت نام دانشجویان و فروش نشریات دانشگاه پیام نور جداگانه گزارش شده است و تفکیک درآمد حاصل از فروش نشریات میسر نبود.

- ۳- شامل ۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال (هفت میلیون) درآمد مراکز دندانپزشکی و آزمایشگاهی و ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ (هفتاد میلیون) خدمات درمان سرپایی.
- ۴- شامل ۲۰۰,۰۰۰ ریال (دویست هزار) خدمات دامپزشکی، آزمایشگاهی و کارگاهی دانشگاه‌های علوم پزشکی.
- ۵- شامل ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دو میلیون) اجاره ساختمان.
- ۶- شامل ۲,۱۵۰,۰۰۰ ریال (دو میلیون و صد و پنجاه هزار) اجاره ساختمان و ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیون) فروش ساختمانهای قدیمی و ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دو میلیون) تبصره ۴۰ قانون بودجه ۷۴.
- ۷- فقط شامل رقم مربوط به دانشگاههای علوم پزشکی (به نظر می‌رسد درآمدهای این ردیف دانشگاههای غیر پزشکی در ردیف درآمدهای متفرقه منظور شده‌است).

جدول شماره ۸: درآمد شهریه و هزینه حمایت مالی دانشجویان

شهریه	توزیع درآمد	(الف) درآمد شهریه (۳) (میلیون ریال)	(ب) درصدی که مشمول حمایت مالی می‌شوند	(ج) هزینه حمایت مالی (میلیون ریال)	(د) درآمد خالص (میلیون ریال)	نسبت (د) به (الف)	نسبت بازماند هزینه (۴)
گزینه اول (۱۵٪ سرانه هزینه‌های آموزشی)	۱-الف توزیع بهنجار (۱) خانوارهای دانشجویان	۵۲۸۵۲	۶/۳	۳۳۳۰	۴۹۵۲۲	۰.۹۳	۰.۱۴
۱۹۰۳۴۱	۱-الف توزیع چوله (۲) به نسبت اقشار کم درآمد خانوارهای دانشجویان	۵۲۸۵۲	۱۰/۷*	۵۶۵۵	۴۷۱۹۷	۰.۸۹	۰.۱۳
گزینه دوم (۱۵٪ سرانه هزینه‌های جاری)	۲-الف توزیع بهنجار خانوارهای دانشجویان	۶۵۷۸۸	۱۰/۷	۷۰۳۹	۵۸۷۴۹	۰.۸۹	۰.۱۳
۲۳۶۹۳۱	۲-ب توزیع چوله (به نسبت اقشار کم درآمد) خانوارهای دانشجویان	۶۵۷۸۸	۱۶/۷*	۱۰۹۸۷	۵۴۸۰۱	۰.۸۳	۰.۱۲

- (۱) منظور از توزیع بهنجار در اینجا این است که توزیع دانشجویان از نظر سطح درآمد خانوار مطابق توزیع خانوارها از نظر سطح درآمد در کل کشور می‌باشد.
- (۲) منظور از توزیع چوله این است که درصد خانوارهایی که زیر متوسط درآمد قرار دارند، بیشتر باشد.
- (۳) درآمد شهریه از حاصل ضرب ۱۵٪ متوسط هزینه سرانه در هر یک از گزینه‌ها در تعداد دانشجویان دوره‌های کاردانی و کارشناسی به دست آمده است.
- * با فرض اینکه در توزیع چوله، درصد خانوارهایی که شهریه (۱۵٪ هزینه سرانه آموزشی) ۱۰٪ هزینه کل آنها را تشکیل می‌دهد با درصد خانوارهایی که شهریه بالاتر (۲۰٪ هزینه سرانه آموزشی) ۱۰٪ هزینه کل آنها را تشکیل می‌دهد برابر شود.
- (۴) این نسبت از حاصل ضرب نسبت درآمد خالص به کل درآمد شهریه (ستون ماقبل آخر) و درصدی از هزینه‌ها که به صورت شهریه دریافت می‌شود، (۱۵٪) به دست آمده است.

□ پی‌نوینها:

- ۱- شاخصهای مربوط به این مباحث به تفصیل در گزارش نهایی طرح آمده است و در این مندان امکان شرح آنها نیست.
- ۲- برای اطلاع بیشتر از روشهای تخصیص بودجه و تجارب کشورهای مختلف به قسمت پایانی فصل دوم گزارش طرح مراجعه شود.
- ۳- برای جلوگیری از اطاله کلام به این تجارب اشاره نمی‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند به گزارش اصلی طرح مراجعه فرمایند.
- ۴- گزارشهای دیگری نیز از فعالیت انجمنها و حجم کمکهای دریافتی مؤسسات مختلف وجود دارد که در صحنه ۲۲۹ گزارش اصلی ذکر شده و در اینجامجال پرداختن به آن نیست.
- ۵- نمونه‌هایی از همکاریهای دانشگاههای معروف با صنایع و بخشهای تجاری در صفحات ۲۴۷ - ۲۵۳ گزارش اصلی آمده است.
- ۶- این مالیات در واقع به نوعی عوارض بر تحقیق و توسعه وارداتی است. چون واردکنندگان تجهیزات به سهولت از نتایج تحقیق و توسعه سایر کشورها استفاده می‌کنند.
- ۷- البته باید گفت که این روش تأمین مالی نسبت به روشهای دیگر، روشی مستقل نیست. در واقع، ابتدا باید از طریق راههای دیگر تأمین منابع مالی، وجوه مازادی ایجاد شده باشد تا بتوان با سرمایه‌گذاری آن، درآمدهای دیگری نیز کسب کرد. به این دلیل، روش یادشده برای دانشگاههای دولتی کمتر کاربرد دارد.
- ۸- وظایف کارگزار یا نماینده برای انتشار اوراق به تفصیل در صفحات ۳۰۵-۳۰۱ گزارش اصلی شرح داده شده است و در اینجا از شرح آن خودداری می‌شود.
- ۹- محاسبات مربوطه به تفصیل در جداول فصل پنجم گزارش اصلی آمده است. برای توضیح بیشتر به گزارش اصلی مراجعه شود.
- ۱۰- نظام وام دانشجویی ایران به تفصیل در صفحات ۳۸۵، ۳۹۰ گزارش اصلی شرح داده شده است. علاقه‌مندان می‌توانند به گزارش اصلی مراجعه کنند.
- ۱۱- برای توضیح بیشتر به گزارش اصلی مراجعه شود.
- ۱۲- برای توضیح بیشتر به گزارش اصلی مراجعه شود.
- ۱۳- برای توضیح بیشتر به گزارش اصلی مراجعه شود.
- ۱۴- توضیح مفصل آن در گزارش اصلی آمده است.

☐ منابع

- ۱- حائز، رضا. "خصوصی کردن آموزش عالی". گزیده مسایل اقتصادی - اجتماعی. شماره ۱۲۵. ص ۱۵-۴۰.
- ۲- ساخاروپولوس، جرج و مورین وودهال. «آموزش برای توسعه: تحلیلی از گزینشهای سرمایه‌گذاری». ترجمه پریدخت وحیدی و حمیدسهرابی. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی. اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۰.
- ۳- قانون بودجه کل کشور، سالهای مختلف.
- ۴- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف.
- ۵- گزارش «بیست و هشتمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو (پاریس ۲۵-۳ آبان ۱۳۷۴)»، کمیسیون ملی یونسکو در ایران
- ۶- گزارش «همکاری دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی با دستگاههای اجرایی و در قالب پروژه‌های تحقیقاتی مشترک در سال ۱۳۷۳»، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معاونت پژوهشی، دفتر امور پژوهشی، دی ۱۳۷۴.
- 7- Albrecht, Douglas & Adrian Ziderman, "Student Loans: Effective Instrument for Cost Recovery In Higher Education" TheWorld Bank Research Observer, Vol. 8, No. 1 (January 1993), P.85.
- 8- Anderson, Richard E. , and Joel w. Meyerson, " Financing Higher Education in a Golbal Economy", American Council on Education, Mc Millan pub. co. ,1990,P.80,86.
- 9- Froomkin, Joseph, "The Impact of Changing Levels of Financial Resources on the Structure of Colleges and Universities", In: The Economics of American Universities ed. by: Stephen A. Hoensch and Eileen L. Collins, state University of New york, 1990,P.199.
- 10- Grinold, Richard, David Hopkins, and William E. Massy," A Model for Long-Range University Budget Planning Under Uncertainty, "9 Bell Journal of Economics. 1978.
- 11- Hart, Loren, "Financing Tuition, Is Prepayment Plans the Right Answer?", New Directions for Higher Education, Vol. 15, No.2, Sum.1987,P. 53-65.
- 12- Johnstone, D.B., "Tuition Fees", In: Encyclopedia of Higher Education, edited by: Clark & Neave, Pergamon Press ,1992 PP. 1501-1509

- 13- Kavanagh, Richard E., "Making Tax-Exempt Capital Financing Work". New Directions for Higher Education, No. 5,0(Applying Corporate Management Strategies) Vol. 13, No.2, Jun.1985, P.47-52.
- 14- Lestina, Raymond & Beverly A. Curry, "Contract Training: Public and Private Sector Models", New Directions for Community Colleges, No. 68, Winter 1989.
- 15- Mc Pherson, M.S & Schapiro, M.O., " Keeping College Affordable", the Brookings Inst., Washington D.C.,1991,P.60.
- 16- OECD."Financing Higher Education: Current Patterns." Paris: OECD,1990.
- 17- Peirce, Susan P., "Gift Clube Programs: A Survey of How 44 Institutions Raise Money," Council for Advanced and Support of Education, Washington D.C., 1992.
- 18- Roak, Stephen J. & Lisa M. Daniey," Guidance on Interpreting Unrelated Business Income Tax Rules," Business Officer, Vol. 24, No.11, May 1991, P.46-50.
- 19- Whalley, John and Adrian Ziderman, "Financing Training in Developing Countries: The Role of Payroll Taxes, Economics of Education Review, Vol.9, No.4,1990, PP. 377-387.
- 20- Williams, B.R., "Applied Research and Technology Transfer", In: The Encyclopedia of Higher Education, ed. by: Burton R. Clark and Guy Neave, Vol. 2, Pergamon Press, 1992,P.857.
- 21- Williams, G., "Business Contributions to Higher Education', In: The Encyclopedia of Higher Education, ed. by: Burton R. Clark & Guy Neave, VOL.2, Pergamon Press, 1992,P.864.
- 22- Woodhall, M., "Designing a Student Loan Program for a Developing Country: The Relevance of International Experience". Economics of Education Review, vol. 7, No. 1, PP. 153-161, 1988.
- 23- Woodhall, M., Financial Aid: Student:, In: The Encyclopedia of Higher Education , ed. by: Burton R. Clark and Guy Neave, Vol.2, Pergamon press, 1992, P. 1358.